

در باره انتخابات مجلس خبرگان

در صفحه ۲

تجربه ۲۸ مرداد

در صفحه ۷

چند روز پیش

۵۴ مستشار
نظامی
آمریکائی
باهلیکو پتر
وارد
ایران
شده اند

ما از دولت میپرسیم :
ورود مستشاران نظامی آمریکا
به ایران برای چه منظوری است؟

در صفحات بعد:

- شناخت جامعه ایران (۸) - برخی نتیجه گیری های عمومی (صفحه ۳ - ستون اول)
- حل مشکل مسکن در گرو برنامه ریزی و سرمایه گذاری دولتی است (صفحه ۶ - ستون سوم)
- فعالیت ضد کمونیستی امپریالیسم در ایران تشدید شده است (صفحه ۸ - ستون سوم)
- ایجاد ابهام در شناخت دوستان و دشمنان انقلاب ایران بسود ضد انقلاب است (صفحه ۸ - ستون سوم)
- آزادی - شعری از بوزین آذر مهر (صفحه ۸ - ستون اول)

مردم

ارگان مرکزی حزب توده ایران

این شماره : ۸ صفحه

دوره هفتم، سال اول، شماره ۵۲
دوشنبه ۲۲ مرداد ماه ۱۳۵۸
تک شماره ۱۵ ریال

حزب توده ایران فعالیت سازمانی خود را در کردستان ایران آغاز می کند

اعلامیه کمیته مرکزی
حزب توده ایران

اعلامیه کمیته مرکزی حزب توده ایران
همبستگی با خلق قهرمان
فلسطین و وظیفه همه
نیروهای انقلابی
ایران است

امام خمینی، طی پیامی، آخرین جمعه ماه رمضان را روز همبستگی بین المللی در حمایت از حقوق ملی و قانونی خلق قهرمان فلسطین اعلام کرده اند. این ابتکار رهبر انقلاب، در شرایطی که امپریالیسم امریکا و صهیونیسم بین المللی یورش وحشیانه علیه خلق قهرمان فلسطین را بیش از پیش شدت میدهند و از هیچ عمل تبهکارانه ای برای ضربت زدن به سازمان آزادیبخش فلسطین و به انقلاب خلق زجر کشیده فلسطین روی گردان نیستند، اهمیت فراوان کسب میکند. جنایت فجیع اخیر که موجب شهادت زهیر محسن، یکی از رهبران سازمان آزادیبخش فلسطین گردید، و نیز نقضی که امپریالیسم امریکا طرح کرده است تا با همکاری سادات و بگین، یک خودمختاری دروغین را «حل عادلانه» مسئله فلسطین جلوه دهند، فقط جزئی از توطئه های جدید امپریالیسم امریکا و صهیونیسم بین المللی علیه نهضت آزادیبخش مردم فلسطین است.

حزب توده ایران، که همگام با تمام نیروهای ضد امپریالیسمی و آزادیخواه جهان، از پیکار عادلانه خلق عرب فلسطین در راه احیای حقوق ملی و تاریخی خود و بازگشت به وطن و تعیین آزاد سرلشکر و تشکیل دولت مستقل خویش، همواره بطور پیگیر پشتیبانی کرده است، از همه نیروهای ضد امپریالیسم و آزادیخواه دعوت میکند که با شرکت فعال در این مراسم، بار دیگر مراتب خشم و نفرت خود را نسبت به امپریالیسم امریکا و صهیونیسم بین المللی و همبستگی انقلابی خود را با خلق قهرمان فلسطین ابراز دارند.

کمیته مرکزی حزب توده ایران
۱۹ مرداد ماه ۱۳۵۸

حزب توده ایران، از بسد و تاسیس خود، مبارزه برای برانداختن هرگونه محرومیت ملی را برای خلقهای غیر فارسی، که در سرزمین میهن ما زندگی میکنند، یکی از مهمترین مواد برنامه سیاسی خود قرار داد.

حزب توده ایران از همان آغاز بر آن بود که وحدت ملی در کشوری که خلقهای متعددی در آن زندگی میکنند، تنها بر پایه احترام متقابل این خلقها بیکدیگر امکان پذیر است. این احترام متقابل مطلق در چارچوب تمامیت ارضی و مرکزیت دولتی کشور واحد، هر یک از این خلقها بتوانند خودمختاری اداری و فرهنگی خود را تحقق بخشند، بزبان مادری خود تحصیل کنند و در تمام

بقیه در صفحه ۷

انقلاب، ضد انقلاب و آزادی مطبوعات

در صفحه ۴

گسترش ظرفیت تولیدی
کارخانه ذوب آهن اقدامیست
در سمت استحکام پایه های
استقلال اقتصادی ایران

بقیه در صفحه ۵

از: احسان طبری

زندگی و پیکار علی

از علی آموز اخلاص عمل
«مولوی»

روز نوزدهم رمضان، علی بن ابیطالب، داماد محمد بن عبدالله، پیغمبر اسلام و شوهر فاطمه، امام اول شیعیان و پدر سبطین (حسن و حسین که امامان دهم و سوم هستند) بدست یکی از «خواج» در مسجد کوفه، از ناحیه سر، به ضرب شمشیری زهر آلوده، مجروح شد و در اثر این جراحت، روز ۲۱ رمضان، در چهلمین سال هجرت نبوی و به اقرب احتمال در ۶۵ مین سال زندگی، دیده از جهان فرو بست.

مسلمین، بویژه شیعیان علی، این ایام ولایالی نیمه رمضان را مقدس و گرامی می شمردند و ما نوزادین سبب بموقع میدانیم، از دیدگاه یک مارکسیست ایرانی، که پیوندهای منوی کوناگونی با زندگی و پیکار و شخصیت تاریخی علی احساس میکند، از این رجل مثبت و جالب تاریخی یاد کنیم.

سر نوشت برای علی بن ابیطالب، زندگی شکفت و دشوار و رنجباری را مقدر ساخته بود، زندگی مردی شایسته و دلیر، که به سبب یابند بودنش به ایمان، پیوسته ناشایستگان بر او پیشی میکردند و با تمام فرومایگی سرشتی خود، او را میکوبند. این پسکی از درهای غم انگیز تاریخ جامعه طبقاتی است که میکوبد، به اصول پابندی، منتظر ضربات جسمی و روحی دشمنان دغل پوشه و دد منش باش. ولی در عین حال تاریخ پرورزی منوی و ابدیت افتخار آمیز او را نشان میدهد.

علی، از همان آغاز کودکی، پرورده محمد و نخستین کسی بود که دعوت محمد را با اسلام پذیرفت و تا پایان زندگی محمد، در همه سراپاوغزوات (بعین نبرد «بکوه») پرچمدار سپاه اسلام و از شجاعترین سرداران آن بود و بویژه در غزوات «احد» و «خبیب» تهور و جان بازی را بعد اعلی رساند.

علاوه بر شجاعت و جنگاوری، دانا، شیوا، پارسا و درمراعات
بقیه در صفحه ۴

دنیا

با تحلیل های علمی شما را با مسائل سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی ایران و جهان آشنا میکند. شما را با طرح مسائل تئوریک، شما را با جهان بینی و مسائل ایدئولوژیک آشنا میسازد و با دانش انقلابی مارکسیسم - لنینیسم مجهز میکند. با آرازه رهنمودهای حزب توده ایران، شما را برای مبارزه متحد علیه امپریالیسم و ارتجاع، برای مبارزه پیکر در راه سازندگی جامعه نوین انقلابی میهنمان باری میکند. «دنیا» را بخوانید و همه را بخوانند آن فرا خوانند!

قانون اساسی ایران باید بازتاب انقلاب ضد امپریالیستی و دمکراتیک مردم ایران باشد

زندگی و پیکار علی...

بقیه از صفحه ۱

موازین دین بنحود و دیگران سخت گیر بود و همین سبب مورد علاقه پرشور پاک ترین افراد از میان مهاجران و انصار و دیگر مسلمانان بود. کسانی مانند، عساریاس، ابازدمقادی، سلمان فارسی، ابوموسی اشعری، مالک اشتر و امثال آنان کسبه به ورع و دینداری شهرت داشتند، با وارد آمدن و زویدند، علی تا آخر عمر نماینده جناح دمکراتیک، برارطلب و عدالت پرست اسلام، که از میان آنها «هل سلفه» بروز کردند، ماند و «مولای متقیان» و «شاه مردان» لقب گرفت.

پس از درگذشت محمد بن عبدالله، بسا آنکه بقول معتزله، «امامت منقول بر فاضل جایز نیست»، درائی حمایت بزرگان قریش در مسقطه بنی ساعده، مرکز خود و انتخاب خلیفه از جانب مهاجرین و انصار، کسانی مانند ابوبکی و عمر و حتی عثمان بن عفان، بر او در خلافت پیشی گرفتند، وی چون مسلمی مؤمن و با انضباط بود، وحدت امت نبوی را مراعات کرد.

در میان این سه خلیفه، بوژه عثمان، بازرگانی حریص و مالدار، خوشخواند پرور، مفرض و ستم پیشه بود، که کسانی مانند مروان بن حکم را بر مردم مسلط میساخت. عثمان پایه گزار استبداد اشرافی و مستول مسخ کلی حاکمیت اسلامی است، کسبه بعدها شیوه خلافت امویان و عباسیان از آن زاینده شد.

شورش طبیعی مردم منبج به قتل عثمان بن عفان شد. اشرافیت قریش و همه کسانی که به علی، از جهت اخلاص و عمل اسلامی کینه داشتند، پیراهن خویش عثمان را علم کردند و شورش را به پای «توطئه گری» علی نوشتند، یعنی مردی که ادعایش از هر گونه دروغی و دسیسه چوئی پاک بود.

پس از مرگ عثمان، چون از میان «اصحاب شورا» (که سمر آنها را پس از خویشی خلافت شناخته بود)، سعد بن ابی وقاص کناره گرفت و طلحه و وزیر بظاهر گردن نهادند، مهاجرین و انصار سرانجام علی را بخلافت برداشتند. خلافت علی بر خیل دشمنانش افزونود.

وی مردی بود فقیر و زاهد پیشه، که روشمندان نبود، حکومت موافق عدل و قسط اسلامی میراند، بیت المال را از دستبرد هر کسی، هر قدر هم بوی نزدیک بود، دور نگاه میداشت و در داورها جانب حق را میگرفت. نجابت ضمنی را پدیدآید. بود که چنین شیوه عمل، در دروازی که دیگر فئوجان بی سیه اسلام در مشاخر و مغارب، شورش انگلی بگرد بیت المال انباشته از غنیمت بدیده آورده بود، چه واکنش می توانست داشته باشد.

طلحه و زبیر، مدعیان خلافت و از «اصحاب شورا»، باهاش زین پیغمبر اسلام، که مدعیان علی را با همی های خود ناساز میبافت، دست یکی کردند و در جنگ موسوم به جنگ «جمل» علیه علی برخاستند. سپاه علی سرانجام با قهقهه پشوا را یکی کرد، مقاومت طلحه و زبیر را در هم شکست و پیروز شد.

این یار نوبت معاویه بن ابی سفیان بود که بیدان آید. پدرش از دشمنان محدود او اشرافیت پرده دار یا «سادنه» کسبه بود، کتتها پس از شکست و فتح مکه بدست محمد، به سوی اسلام گردن نهاد. پدرش و نو مسلمانان دروغین، با اهل شام بود و در آنجا به تقلید ولای رومسی باط سلطنت گسترده بود. او چگونگی می توانست با دستورهای انضباطی و سختگیرانه علی، که نمونه اش در نامه های خطاب به مالک اشتر ثبت تاریخ است، سازگار باشد؟ او، از روی سالیسی ذاتی خود و مشاوره و خدعه کارش عمر بن عباس، «کین خواهی عثمان را به پناه نداشت و در مرداب درقه، کنار شط فرات، جنگ سفین را علیه علی بر انداخت.

سپاه معاویه بر فرسیسپاه علی نبود، لذا دستور عمر و بن عباس، حمله را جانشین شمشیر ساخت. لشکر پیشی قرآن بر کس نیزهها کردند و حکمیت خواستند. چون در میان دو سپاه اقوام و هم قبیلهها زیاد بودند، شمار جنگ نه، حکمیت آردی، گرفت. علی ناچار شد زن در دهد. این عمل نشان داد و فریب از او نماند، بنام «ابو موسی اشعری» خامی نشان داد و فریب از او نماند، یعنی عمرو بن عباس را خورد. در نتیجه جمعی بنام «خوارج» از لشکر علی انشعب کردند، که چرا اصلا بن به حکمیت داده، زیرا که چنین امری حکمیت بردار نیست. ولی علی که به پایه شور و دمکراتیسم اسلامی باور داشت، درسد آن نبود خود را «بضرب سیف» تحمل کند و بلاه چرخش وضع را بدین شکل ناپیوسیده و ناهنجار پیش بینی نمیکرد. آردی، علی غیب نمیدانست. وقتی مخالفان از محمد غیب گوئی میخواستند، در قرآن پاسخ داد: «بگو، اگر غیب میدانستم، نیکیها را بر خود فراوان میساختم و ناگواری بمن نمیرسیده، و هر کسی جز خدا غیب ندانست.

هنوز از فتنه معاویه فارغ نشده، علی با فتنه عبدالله بن وهب راسبی، سالار خوارج، بپنی سر کرده یاران قشری ندادن و پیمان شکن خویش روبرو شد. تا آنجا که میشد، جمعی از آنها را با پند و استناد، بحدک «چو دلهای بالائی می احسن»، هدایت کرد. ولی فریب سه هزار تن تاریخ اندیش و خشن، با راسبی، که سخن بازو «فتوری یاف» بود، ماندند. چادری جز جنگ نماند. در «نهران» جنگی سخت در گرفت و خوارج راسبی منهور شدند، ولی آنها از پای نشنندند و دست به شیوه «فک» و ترسور زدند. یکی از آنها بنام عبدالله بن ملجم مرادی، شمشیر زهر آگین در زیر عبا نهفته، وارد مسجد در حین نماز مضروب و سرانجام با فرسوش مرگ فرستاد. از بیم دشمنان، حتی کور علی را، بجهادت برخی از مورخین، تا چندین پنهان نگاه داشتند.

چه زندگی پر شوره، دشوار، پر از آزمونها و سوانح شگرف، چه زندگی راستین و مردانه ای! حق پرستی و عدالت خواهی علی، او از آن سموات خودخواهانه، محروم ساخت، ولسی به بارگاه جاویدانهای تاریخ فرستاد.

اعلامیه کمیته مرکزی حزب توده ایران

درباره انتخابات مجلس خبرگان

نقش هواداران گروه مؤتلفه اکثریت بچشم میخورد. این روشها و اقدامات ضد دمکراتیک چنان بوده که حتی رهبر اکثریت بر بنده انتخابات، آقای دکتر بهشتی، مجبور شده که به آن اعتراف کند، و اگر قبول داریم که ایشان مسلما به جزء کوچکی از واقعتا اعتراف کرده اند، باید به این نتیجه برسیم که جریان بطور جدی معیوب بوده است. ما نمیتوانیم در اینجا وارد جزئیات بشویم. ولی این مهم است که بسیاری از مراکز گرتن درای بصورت مرکز فکالت و بستانگاه به گروه اکثریت درآمده، در عمل آراء برای هواداران این گروه اعمال نظر و نفوذ بعمل آمد، آراء بسیاری از رای دهندگان که به گروه اکثریت رأی نداده اند، به صندوق ریخته شد و دمواردی پاره شد. و بجای آن رأی دیگری به نفع کاندیدا های اکثریت بصندوق انداخته شد.

در انجمنهای دوردست، دسراسر ایران، از بی نظمی های پیرایه بیشتری از تهران گزارش شده است. گزارشهای حاکمیت که افراد توجیه شده انجمنهای نظارت نه تنها از این بی نظمی ها جلوگیری نکرده اند، بلکه در موارد بسیاری بر اثر روش دولت و گروههای انصار طلب معیوب باشند، جایی که حتی رهبر حزبی که اکثریت مطمئن آراء را در تهران و شهرستانها بدست آورده است، مجبور شود به جریان معیوب انتخابات اعتراف کند، و نگرانی از اینکه میداد این روش معیوب، در جریان انتخابات آید، تکرار گردد.

ما کوشش میکنیم که در زیر مهمترین ایرادات خود را در باره کلیه جریان این انتخابات بیان داریم.

۱- انتخابات انجمن مرکزی نظارت - نقش انجمن مرکزی نظارت و انجمنهای فرعی اهمیت فوق العاده بر تامل درستی جریان انتخابات دارد. در این باره هر گونه بحثی زائفاست. ولی آیا در بزرگترین این انجمن مرکزی و تعیین انجمنهای فرعی، این اصل مراعات گردید که نمایندگان همه احزاب و گروههای سیاسی، بر منظر آن درآیند، حومه و شهرستانها خواننده نشده و بحساب نیامده است. بعضی خواهد گویا را یاد آور می شویم.

دکتر کاوش برای کاندیدهای حزب توده ایران، که فقط ۳ روز قبل از انتخابات در حلق خود را به مردم معرفی کرد، نزدیک به ۵ هزار رأی خوانده شده است. در مقابل در تهران، که همه شاهد می بینیم چند ده هزار نفری انتخاباتی حزب ما در زمین چندان دانشگاه تهران بودند و همه میدانند که در این می بینیم کتتها بعضی از هواداران حزب ما شرکت داشته اند و بدون تردید بسیاری از هواداران حزب نوانشته اند با تبلیغ چند نفر را برای دادن رأی به لیست کاندیدهای حزب آماده سازند - برای رفیق عباس حجری، مبارز پایدار که مقاومت ۳۵ روزه در زندان شاه خائن اختراک اکثریت مبارزان، حتی مخالفان حزب مارا بخسود جلب کرده است، تنها ۱۶ رأی خوانده شده است.

بدینسان، تردیدی نیست که بخش مهمی از لیستهای کامل کاندیدهای حزب توده ایران فرات نشده و یا از زمین خمدت بیرون نمانست.

این افراد با بی پروائی وزیر حمایت مامورین دولت و حتی برخی از کمیتتها، اعلانات تبلیغاتی حزب ما را پاره می کردند، مبارزان حزب ما را در وحشیانه مضروب و مجروح میساختند، مانع فریب زور نامه ها، و اوراق تبلیغاتی حزب توده ایران میشدند و... این عملیات در نتیجه توان اسلامی نام نهاد و نه دمکراتیک. اینها روشهای ارتجاعی است که حکومت بردار نیست. ولی علی که به پایه شور و دمکراتیسم اسلامی باور داشت، درسد آن نبود خود را «بضرب سیف» تحمل کند و بلاه چرخش وضع را بدین شکل ناپیوسیده و ناهنجار پیش بینی نمیکرد. آردی، علی غیب نمیدانست. وقتی مخالفان از محمد غیب گوئی میخواستند، در قرآن پاسخ داد: «بگو، اگر غیب میدانستم، نیکیها را بر خود فراوان میساختم و ناگواری بمن نمیرسیده، و هر کسی جز خدا غیب ندانست.

هنوز از فتنه معاویه فارغ نشده، علی با فتنه عبدالله بن وهب راسبی، سالار خوارج، بپنی سر کرده یاران قشری ندادن و پیمان شکن خویش روبرو شد. تا آنجا که میشد، جمعی از آنها را با پند و استناد، بحدک «چو دلهای بالائی می احسن»، هدایت کرد. ولی فریب سه هزار تن تاریخ اندیش و خشن، با راسبی، که سخن بازو «فتوری یاف» بود، ماندند. چادری جز جنگ نماند. در «نهران» جنگی سخت در گرفت و خوارج راسبی منهور شدند، ولی آنها از پای نشنندند و دست به شیوه «فک» و ترسور زدند. یکی از آنها بنام عبدالله بن ملجم مرادی، شمشیر زهر آگین در زیر عبا نهفته، وارد مسجد در حین نماز مضروب و سرانجام با فرسوش مرگ فرستاد. از بیم دشمنان، حتی کور علی را، بجهادت برخی از مورخین، تا چندین پنهان نگاه داشتند.

۳- اعمال نفوذ در جریان رای گیری - اگر در مورد دم می توان گفت، در این مورد اول در متوجه گسروهای به مسئولیت، مامورین ساواک و ضد انقلاب و خرابکاران مائولست و گروههای افراطی راست دانست، در این مورد

سخنان و نامه های پر شور علی، که یکی از اسادات معروف دوران عباسی، شریف دخی، آنرا در مجموعه ای بنام «نهج البلاغه» گرد آورده، گواه دانش و صدق انقلابی و اسلامی اوست. بسبب همین شخصیت مثبت علی است که، نخستین تکنگر حزب توده ایران با این سخن او آذین شده بود، دکن للظالم خصما و للظالمون عونا - دشمن متمسک و یار ستمکش باشد!

شناخت جامعه ایران (۸)

برخی نتیجه گیری های عمومی

از احسان طبری

در چند گفتار موجز و فشرده ای که گذشت، تمویمات و اندیشه ها ی چند درباره سیر دیرینسال تاریخ کشور ما بیان شد، که ابتدا دعوی کشف خاصی یا مطلقیت ندارد، بلکه تنها حدس آن است که انگیزه غورریها بیشتر شده، سیاست در کشور ما مغزهای چوبیده و آفرینگری کم نیست.

در سهای اخیر، در بسیاری مسائل مربوط به تاریخ ایران، گاه کتب تفصیلی چاپ و محققانهای نشر یافته و جهات مختلف تمدن ایرانی، ضمن این بررسیهای تفصیلی، بوژه از نظر فاکتور کرافی، روشن شده و طبیعی است که چند گفتار کوتاه در روزنامه، مدعی نیست که بتواند چنانشن آن بررسیهای تفصیلی را پوشا دهد و دعوی را بپوشاند که گویا یافتهای ناپیوسیدهای را در شاد داشته است، بوژه آنکه مؤلف این گفتارها، سجا افتاء امکان ندانسته است مطالب خود را بر یک تحقیق سندی مبتنی سازد و به صادرات ذهن خویش بسنده کرده است و این وضع بناچار خطر نتیجه گیریهای شتابزده را بخود دارد.

تمام هدف این گفتارها نشان دادن این نکته بوده است که در صورت اخترا از جزم گرائی و کاربرد فشری اسلوب مادکسیستی در مورد تاریخ ایران، تقریباً چگونه منظره ای در عرصه ها و جهات مختلف بدست می آید و یک مادکسیست ایرانی، نسج پوچیده سرگذشت ایرانیان را در این سرزمین تقریباً چگونه می بیند و یا میتواند ببیند.

اگر بنخواهیم از آنچه که گفته ایم نتیجه گیری کنیم - در واقع هم همین نتیجه گیریهای عملی است که میتوان دریافت کتتها را هم در ستانگیز تر و سوده مند تر سازد - آنگاه این نتیجه گیریها به فرار زیرین است.

۱- اگر درست است که ایران در بخش عمده خود، کشوری است بیابانی و نیمه بیابانی خشک و کم آب و کوهستانی و این شرایط نامساعد، کشاورزی و دامداری و باغداری و بستا کناری ما را همیشه در زیر ضربات طبیعت سوزان و بخیل فریب میدهد، لذا حل مسئله آب، گسترش اراضی زیر کشت، حمایت نیرومند همه جانبه از دهقانان زمین کرمین و کرمین، بسط دامپروری و حمایت نیرومند از شیخان، توجه مشخص چندینی به باغداری و بستا کناری از اهم وظایف ماست. تأمین آب ضرور، خود کفا سازی کشاورزی و دامپروری ما، تبدیل ایران را یکی از تولید کنندگان میوه و گل و حتی از صادر کنندگان برخی از انواع مرغوب آنها، بیهادت علم و درنگتکارشاسان شدنی است. البته این شرطی است که مثلا میبایردما درآدم نفت دمجمعی از خرید آمر یاردهائی بنام سلاح خرید، بلکه در گلین و خواب آلود و خشک و بیامور تارک دیسواد ایرانی را بیدار کند. به علاوه چنین بنظر میرسد که در این کشور خورشیدی، استفاده از انرژی آن، موافق آخرین دستاوردهای علم، کار سودمندی است تا جاستجوی راه بر مخازنهای انرژی.

در مورد زندگی عشیرتی و اقتصاد ششیرتی، که در مهن ما تا کنون حفظ شده، بدون مطلق کردن تاسیجیده سیاست امکان با عدم امکان، و با تین ایجاد بهترین شرایط برای حفظ اقتصاد دامپروری، باید به دست علمی تنظیم کرد. تا روستا و مراکز عشایری ما از ناملات قرون بیرون نیاید و مناسب بسا شرایط اقلیمی و ژئوفیزیکی ایران اینجا نشود، اغلاعه تمدن ما پیوسته تا ستوار و سطحی خواهد ماند. باید یکبار برای همیشه این منظره را که هزارهای طولانی درام آورده، از روی جنبشی و سوافق شرایط درونی خود بافت اجتماعی «مزرگون گون» در این دگرگونی تها به تکامل مدنی بلکه به سرفوشست آنها نشانی نیز توجه درجه اول داشت. اخیراً یکی از مؤلفین درباره حدود کار برد ماشینهای نوین کشاورزی در روستاهای کوچک پای و کوهستانی ایران مطالبی نشر داده - بدون آنکه بتوانیم باین نوع قضائها در دست صحنه بگذاریم، ولی بنوع ضرور بودن آن تا کنون میگویم، مسا نشه قط باید مسئله اندیش و کشاورزی را حل کنیم، بلکه باید اسلوبهای خاص منطبق بر سرزمین و فضای کشور خود را برای این حل بیابیم و در این امر از آزمون قرون مدهد گرییم و از دانش معاصر فیزیقی بیسیم، قبول دانش تکنیک و تکنولوژی دیگران باید با بررسی پرویوسون آنمویم. دیرینه خود ما همرا باشد و این آنموها کم نیست.

۲- اگر درست است که هنوز در ایران در اکثر کوهستانها و گردنه های دشوار گذر و یارهایای دور از درون گسسته است، پس باید شبکه فیلتری از راه آهن و جاده های زمینی و راههای هوایی در مسائل مناسب ارتباط سرایای کشور را بهم متصل کند تا به شکل تولید و بازار ایران نشود و ایجاد اقتصاد صنعتی و کشاورزی پر توجیهی و دشمنی سازمند (مشترک کننده) و کارآیی دستگاه دولتی و سازمانهای دیگر کمک کند و فرهنگ را به فضای کشور برساند.

۳- اگر درست است که سه ایران دارای موقعیت ژئوپلیتیک حساسی است، گذرگاه ای بین شرق و غرب، شمال و جنوب، پس باید با تدبیر یک سیاسی خارجی و داخلی خرمندانه و خلقی و از لحاظ علمی سنجیده و در فرستاد، حیویت سیاسی ایران را در منطقه، نه بر اساس لاف و زنگ افهاسی

۷- اگر درست است که در ایران این شکل حکومت همه اش افی درازن شده و تاریخ کشور ما، موافق این نظام، ما خواستار یک دسکراسی ملی هستیم که مطبوعات در چارچوب یک «جنبه واحد خلقی» و یک «برنامه مشترک نو سازی جامعه بر پایه استقلال و دمکراسی» حفظ میگرد. زبیرا تبدیل دمکراسی به لیبرالیسم از نوعی و فقی تنوع سازمانها در جامعه ای که دارای طبقات و قشرها و مختلف انزوی دیگر هر دو طبقات هر دو سطح ناک است.

قاتلان و نداد ایمانی باید مجازات شوند

در تاریخ ۵۸/۵/۱۳ در بین راه شیرگاه - قاشپهر، یکی از اعضاء سازمان چریکهای فدائی خلق بنام و نداد ایمانی مورد حمله عده ای قرار گرفت و بقتل رسید. این جنایت فبیح مورد اعتراض شدید همه مردم مازندران، همه نیروهای خلقی، از جمله حزب توده ایران است.

با اینکه مقامات دادگستری وعده رسیدگی به این جنایات وحشاکه و مجازات قاتلان را دادند، ولی متأسفانه هنوز اقدام جدی در این زمینه صورت نگرفته است. ما به خود می طلبیم که با ما کجا همه مجازات قوری قاتلان، امکان تکرار چنین اعمال خدشبری و ضد انقلابی از بین برده شود.

ما به با ما ندگان و یاران و همزمان و نداد ایمانی صمیمانه تسلیت میگویم.

عمال ساواک علیه حزب توده ایران تحریک و توطئه میکنند

کارزایی از فعالیت های ضد انقلاب علیه حزب توده ایران به مار پیسده، که عیناً آنرا نقل میکنیم، یکی از خبر نگاران (مردم) می نویسد،

«در روز چهارشنبه دهم مرداد، که در دانشگاه تهران میونگ انتخاباتی حزب توده ایران برگزار میشد، مامور انتظامات این میونگ بود، حدود ساعت ۷/۳۰ بود که برای انجام کاری آنجا را ترک کردم و تصادفاً به بیرون دانشگاه رفتم. در آنجا دیدم که یک نفر به مامورین خیلی نزدیک شد و گفت، آقا، توده ایها با بکلت بطرف بیرون می کنند. گفتیم، من خودم آنها بودم و اصلا از آنجا نرفتم. چرا دروغ میگویند؟ هنوز اعتراض من تمام نشده بود، که آن مرد بر سرعت گویا و هیکل متوسط، که یک کتف کوچک زیر بغل داشت، نزدیک مامور کسبه شد و گفت، آقا، توی دانشگاه بک تئوراید کار گذاشتند و یک نفر شخصی هم پشت آن نشسته، و از این قبیل حرفها. من باوهم اعتراض کردم و گفتیم، چرا دروغ میگویند؟ میگویند اینها چنگاه بیندازند؟ و بدنه بلافاصله پیش را گرفتند و گفتیم، ما بهمن نشان بنه بیتم، کجا توده ایها تیر بار گذاشته اند؟ و او را بطرف دانشگاه می بردند. مرد با نزدیکیم همراه من میساخت. وقتی داخل محسوله دانشگاه شدیم، باو گفتیم، کجاست؟ نشان بدما در این موقع اوانگشت را بلب گذاشت و گفت، الان اینجا بودا و او را نزدیک مامورین که داخل دانشگاه بودند، بردم و به آنها گفتم، این آقا درم درگاه تیربارن جوین میسده و میباید اید اینجا را با هم بریزد. مامورین گفتند، عیبی نداره، بگذار برود... من آن شخص را رها کردم و رفتم نزدیک همان مامورین کسبه و راجع به فعالیتها و ساواکها، با آنها صحبت کردم. آنها گفتند، خاطرت جمع باشد. اینها هر روز و همیشه کارشان است. الان چنگاه افتاده بود. من از آنها تشکر کردم و گفتم، شما (پاسداران انقلاب) واقفا در خدمت انقلاب بودید و وحامی جان و مال و ناموس مردم هستید، خسته نباشید»

و ضد خلقی و فرقی در تبمل و فساد و استبداد و کسرت کتینه اراده انسانی و مایه تیره روزی و خفت زحمتکنان جامعه بود، پس باید گفت، دیگر سیاست زورنی جز از راهها کافی است! بسوی یک نظام خلقی و انسانی، بسوی یک جامعه بساز زبنی از فشار و تمسک، بسوی یک جامعه مولدان پدی و فکری کام برداریم و نظام زمین سالاری و سرمایه سالاری را، که انگیزه بردگی روح و جسم انسان است، به مورث فرستیم.

ایران بحد کافی اشک و خون ریخته، کسه در خورد فضای آزاد برای نفسی باشد و از چنگ آدمکشان و چپاولگران در ده و شهر و عشیره برنده، دیگر گرفت است!

ما در شرایط کنونی خواستار استقرار یک نظام ملی و دمکراتیک هستیم که در آن طبقات و قشرها و اقتصاد چتساختی از میان تیرد و رفتی ازس مایه داری، دشوهر وده، که با تولید و توزیع و بازار داخلی بیرون فرستاده، بصورت بخش میبمده، در کنار بخش عمده (عمومی) و دولتی و تعاونی) حفظ می شود.

موافق این نظام، ما خواستار یک دسکراسی ملی هستیم که در آن تمدن و استقلال سازمانی احزاب و سندیکاها و جمعیتها و مطبوعات در چارچوب یک «جنبه واحد خلقی» و یک «برنامه مشترک نو سازی جامعه بر پایه استقلال و دمکراسی» حفظ میگرد. زبیرا تبدیل دمکراسی به لیبرالیسم از نوعی و فقی تنوع سازمانها در جامعه ای که دارای طبقات و قشرها و مختلف انزوی دیگر هر دو طبقات هر دو سطح ناک است.

درازن شده و تاریخ کشور ما، موافق این نظام، ما خواستار یک دسکراسی ملی هستیم که مطبوعات در چارچوب یک «جنبه واحد خلقی» و یک «برنامه مشترک نو سازی جامعه بر پایه استقلال و دمکراسی» حفظ میگرد. زبیرا تبدیل دمکراسی به لیبرالیسم از نوعی و فقی تنوع سازمانها در جامعه ای که دارای طبقات و قشرها و مختلف انزوی دیگر هر دو طبقات هر دو سطح ناک است.

انقلاب، ضد انقلاب و آزادی مطبوعات

توقیف روزنامه آیندگان و آهنگر، بار دیگر مسئله آزادی مطبوعات را در ارتباط با دفاع از انقلاب و مبارزه با ضد انقلاب مطرح ساخته است. و چون هر بار مسئله ظاهراً به شکل تازه‌ای مطرح می‌شود در حالیکه اصل مسئله بهیچوجه تازه نیست - ماهم نظر خود را بار دیگر برای رفع ابهامات، سوء تفاهات و پرسشهایی که، گاه صادقانه وجود دارد و گاه مفرضانه بوجود آورده می‌شود، بیان میداریم.

رژیم پهلوی سرکون شده و امپریالیسم پشتیبان آن ضرت دیده، ولی عوامل و بازمانده‌های آن تا بودند، ماند. در مجموعه دستگاهی که از رژیم سابق بجای مانده، آنها مواضع مهم و حساس را همچنان در اختیار دارند، از جمله در مطبوعات.

ضد انقلاب - امپریالیسم و بازمانده‌گان رژیم پهلوی - از مواضعی که در اختیار دارد، برای تحریک، توطئه، آشوب، تقزین، نفرت، انکس، اخلال، خرابکاری، سردرگمی، گمراهی و در یک کلمه برای تضعیف انقلاب و رهبری انقلاب استفاده میکنند، از جمله بوسیله مطبوعات.

ضد انقلاب برای دفاع از مواضع خود، برای تحکیم آنها، برای تدارک تفرص عمومی خود علیه انقلاب از همه وسائل استفاده میکنند، از جمله از مطبوعات.

دفاع از انقلاب و مبارزه با ضد انقلاب از جمله مهمترین مجموعه دستگاهی است که از رژیم وابسته به امپریالیسم باقیمانده، از جمله مطبوعات، یعنی تقویت انقلاب و رهبری انقلاب است. از جمله بوسیله مطبوعات، یعنی خنثی کردن فعالیت مغرب و توطئه‌گرانه ضدانقلاب است، از جمله در مطبوعات.

لذا آزادی مطبوعات، مانند هر آزادی دیگر است که بدون تقویت، فقط در چارچوب دفاع از دستاوردهای انقلاب، تقویت انقلاب و پیشبرد انقلاب مجاز است. بسخن دیگر ضد انقلاب نمیتواند و نباید از آزادی دیگری - انکس از جمله آزادی مطبوعات - استفاده و در واقع سوء استفاده کند. این تقضی فرض است، این در واقع دشمنی با آزادی واقعی است.

اگر این واقعه درست است که با ضد انقلاب در مطبوعات هم باید مبارزه کرد، اگر درست است که توطئه ضد انقلاب را در مطبوعات هم باید خنثی کرد، آنوقت باید دستگانه که از رژیم وابسته به امپریالیسم باقی مانده، با کندی پیش می‌رود، اگر مبارزه با ضد انقلاب و خنثی کردن توطئه‌های ضد انقلاب در زمینه‌های مختلف باریک، سستی، اعمال و افاض و روبرو است، این پاسکازی، این مبارزه، این خنثی کردن، تاکنون در مطبوعات اصلاً انجام نگرفته است.

مگر این واقعیت قابل انکار است که گردانندگان اصلی برخی از مطبوعات از سرپرندگان ومداحان وابستگان شناخته شده رژیم پهلوی هستند؛ مگر این واقعیت قابل انکار است که حتی برخی از ساواک‌های شناخته شده بیکار خود در برخی مطبوعات ادامه میدهند، مگر این واقعیت قابل انکار است که چنین مطبوعاتی با جنبش‌های و جمله بردازی انقلابی و نقاب آزادیخواهی، ولی در واقع در عمل همان سیاست گذشته را، بر علیه انقلاب و رهبری انقلاب ادامه میدهند؛ مگر این واقعیت قابل انکار است که چنین مطبوعاتی نیروهای راستین، نیروهای راستین انقلابی را هم بدنام و بی اعتبار میکنند و از این جانب هم بمسئله انقلاب و نیروهای راست افراطی برای حمله به نیروهای راستین چپ و نیروهای راستین انقلابی هانه می‌دهند؟

آنوقت، آیا میتوانیم رژیم نام دفاع از آزادی مطبوعات با پاسکازی مطبوعات از چنین عناصری، با خنثی کردن توطئه‌های ضد انقلاب در چنین مطبوعاتی مخالفت کرد؟ آیا میتوان زیر نام دفاع از آزادی مطبوعات اجازه داد که ضد انقلاب از چنین وسیله مهم و موثری آزادانه استفاده کند؟

نه، نمیتوان! مطبوعات هم از عناصر ضد انقلابی باید پاسکازی شود، با ضد انقلاب و ضد مطبوعات هم باید با قاطعیت و بی‌چیزی مبارزه کرد. فعالیت ضد انقلاب را در مطبوعات هم باید خنثی کرد. ضد انقلاب را در مطبوعات هم باید سرکوب کرد.

توقیف روزنامه آیندگان و آهنگر را، که فقط بر اساس ارتباطاتی که دارند، بلکه با توطئه‌هایشان به ضد انقلاب کمک کرده‌اند، باید فقط در این چارچوب ارزیابی کرد، بنظر ما، چنین است رابطه انقلاب، ضد انقلاب و آزادی مطبوعات، و اما در اینجا مسائل دیگری هم منکست مطرح شده که باید به آنها پاسخ گفت.

منکست گفته شده، توقیف روزنامه‌ها نباید خود - سرانه باشد، بلکه باید بر اساس قانون و با ارائه اسناد اتهام انجام گیرد.

میکوئیم، کاملاً موافقم. و همین جهت از مقامات مسئول مطالبه می‌کنم که سر ففطن از توطئه‌های این روزنامه‌ها -

همسان کردن تعطیلات رسمی کارگران و کارمندان

تصمیمی است بجا ولی

حذف روز اول ماه مه از تعطیلات رسمی کارگری مایه تعجب و تأسف است

دولت باید در این تصمیم نادرست خود تجدید نظر کند

در جلسه مشترک هیئت دولت و شورای انقلاب، تعطیلات سالانه تعیین و با اطلاع عموم رسید. همسان کردن تعطیلات رسمی کارگران و کارمندان، که تصمیم دولت بر آن تأکید دارد، گسائی است علاوه بر، بر شغالی، حقوق کارگران دلال است. بلکه باید بر اساس قانون و با ارائه اسناد اتهام انجام گیرد.

میکوئیم، کاملاً موافقم. باید اولاً معلوم شود که متهم کیست؛ ثانیاً دلائل اتهام چیست؛ ثالثاً متهمان فقط بر اساس مدارک انکارناپذیر باید توقیف شوند؛ رابعاً همه را نباید به این حساب که در فرلان روزنامه کار میکنند، بسا یک چوب را نه، خاصاً حتی اشتباهکار ناآگاه را از معرض آگاه باید تشخیص داد. بر این اساس ما مطالبه می‌کنم که وضع توقیف شدگان بیدرنگ روشن شود و گناهکاران و گناهکاران مقرباً شناخته شوند و بیگناهان بیدرنگ آزاد گردند و گناهکاران نیز بر اساس مدارک انکارناپذیر حقوق قانون مجازات شوند.

منکست گفته شده، ضد انقلاب و عناصر راست افراطی ممکن است از این جریان سوء استفاده کنند و مطبوعات و بویژه مطبوعات چپ راستین و انقلابی راستین را هم مورد هجوم قرار دهند و زیر ضرب بگیرند.

میکوئیم، کاملاً ممکن است. ولی اضافه می‌کنم که راه جلوگیری از این سوء استفاده، رهزندی با ضد انقلاب در مطبوعات، انشاء این سوء استفاده و دفاع از آزادی واقعی مطبوعات انقلابی است.

منکست گفته شده، با اینهمه ضد انقلاب و نیروهای راست افراطی از این جریان برای حمله به آزادی مطبوعات منکست سوء استفاده کنند.

میکوئیم، اگر علیرغم سیاست درست نیروهای راستین انقلابی، نیروهای راستین چپ، ضد انقلاب و نیروهای راست افراطی به آزادی مطبوعات بطور کلی حمله کردند، این دیگر مربوط به مبارزه است که در همه صحنه‌ها و همه زمینه‌ها - سونه فقط در زمینه مطبوعات - بین ضد انقلاب و نیروهای راست افراطی از یک سو و نیروهای انقلابی و نیروهای راستین چپ فقط در زمینه مطبوعات - بین ضد انقلاب و نیروهای راست افراطی از یک سو وجود دارد و سرانجام آنرا هم تناسب نیروها در جامعه حل خواهد کرد.

منکست گفته شده، «این شترنی است که در خانه شما هم خواهد خوابید». بنابراین خوب است به این جریان اعتراض کنید تا اگر زمانی سراغ شما هم آمدند، کسانی باشند که از شما دفاع کنند.

میکوئیم، اولاً تاکنون این ما بوده ایم که بر اساس روش اصولی خود در دفاع از آزادی‌های دمکراتیک، از جمله آزادی مطبوعات، به اقدامات ضد دمکراتیک علیه همه نیروهای راستین انقلابی، نیروهای راستین چپ، از جمله در مورد مطبوعات، سر ففطن از تقابید سیاسی و مسلکی آنها، صرف نظر از مواقتی یا مخالفت با ما دفاع کرده ایم. ثانیاً اتفاقاً کسانی که چنین مشاداری بنا میدهند و چنین دل‌سوزی برای ما میکنند، غالباً کسانی هستند که تاکنون در برابر اقدامات ضد دمکراتیک علیه حزب ما، از جمله در مورد تشریفات و مطبوعات سکوت مطلق کرده‌اند. با اینهمه و علیرغم چنین سکوت (رضایت آموزی!) در مورد اقدامات ضد دمکراتیک علیه حزب ما، حزب توده ایران به منی اصولی خود در دفاع از آزادی‌های دمکراتیک برای همه نیروهای راستین انقلابی، نیروهای راستین چپ، صرف نظر از عقاید سیاسی و مسلکی آنها، صرف نظر از مواقتی یا مخالفت آنها با ما، همچنان ادامه خواهد داد. ثالثاً ما به صفت مشی خود در دفاع از انقلاب، در دفاع از دستاوردهای انقلاب، در مبارزه برای حفظ و تحکیم و گسترش آن اعتقاد راسخ داریم و گسترش نفوذ و اعتبار حزب ما در بین توده‌های مردم، در همین دوران بسیار کوتاه فعالیت عملی، علی‌رغم دشواری‌های فراوان که در سوره آن پدید آمده‌اند، همصن این‌هاست. ما بی‌شک رساله و هم در نتیجه اعتقاد ما را راستی کرده‌است. آنوقت فعالیت و هجوم ضد انقلاب و نیروهای راست افراطی به پهنای و زیر هر نامی، علیه حزب ما یک ضد انقلابی است، و این عمل ضد انقلابی را عناصر و نیروهای آگاه انقلابی بلافاصله و عناصر و نیروهای ناآگاه، ولی صادق، زیر پا زد درک خواهند کرد و بمقابله با آن خواهند پرداخت.

این واقعیت را باید هرگز و برای لحظه‌ای هم فراموش نکرد که روند انقلابی، روندی است طولانی، دشوار و پرفراز و نشیب که برای نیروهای انقلابی پر از توفیق و پیشروی و غلبه است. در بردارن، تا سرانجام به پیروزی قطعی و نهایی برسد. ما تمام این چیز و مناجا را در ۳۸ سال است که آزمایش کرده ایم و از سر گلند اندامی و همه آنها را که واقع بین و با انصاف اند، می‌بینند که حزب ما، علیرغم فشار و تضییعی که به نسبت سایر نیروهای سیاسی یتگاه بوده است، زنده مانده، زنده است و زنده خواهد ماند، درست به این دلیل که انقلابی است و در خنثی، در زحمتکش، در طریقه کارگر ایران ریشه دارد. این واقعیت را که هیچکس نباید لحظه‌ای فراموش کند، ما از هیچ شترنی که در خانه ما میخواستیم باک نداریم زیرا مطمئن هستیم که در یک یا دو دست ساریان زمانه آن شتر را از آنجا بلند خواهند کرد.

گسترش ظرفیت تولیدی کارخانه ذوب آهن اقدامیست در سمت استحکام پایه‌های استقلال اقتصادی ایران

چهاردهم مرداد ماه پروتکل مربوط به توسعه تولید کارخانه ذوب آهن اسفهان نامیزان یک میلیون و نهصد هزار تن در سال، از طرف مدیر عامل شرکت ملی ذوب آهن ایران و رئیس اتحادیه سراسری صادرات صنایع سنگین اتحاد شوروی به امضاء رسید. تولیدات این مجتمع بزرگ صنعتی بزودی برسد دومیلیون تن نزدیک خواهد شد.

طبق طرح اولیه، گسترش ظرفیت تولیدی این مجتمع صنعتی تا شش میلیون تن در سال پیش بینی شده است. طی مذاکراتی که در زمینه مطالبات پیشین اتحاد شوروی از ایران بعمل آمده، اتحاد شوروی گشتهای قابل ملاحظه‌ای در مورد این مطالبات نمود و با تحففات کلی بفتح ایران موافقت کرد.

امضای پروتکل مربوط به توسعه تولید کارخانه ذوب آهن اسفهان به افتضا، سودآور نبودن این مجتمع صنعتی مصادر، ساخته و پرداخته نیروهای که تلاش داشتند و دارند تا روابط اقتصادی و همکاریهای صنعتی و فنی ایران با اتحاد شوروی را با روابط غیر برای و تحمیلی دول امپریالیستی بامپهن‌ها همسنگ جلوه دهند و در نتیجه اهداف وی آوردهای سیاست توسعه‌ماری امپریالیسم را در سایه قرار دهند، با بیان بخشید.

برغم این افتضا، پردازها، همکاری اقتصادی و فنی اتحاد شوروی با ایران به پیشرفت مستغفانه اقتصادی و صنعتی و گسترش نیروهای مولد و اعتدالی سطح تکنولوژی معاصر در کشور ما سعادت میکند و پایه‌های عینی و مادی را جهت استقلال اقتصادی کشور بوجود می‌آورد و این امر یقیناً بر اساس سیاست در راه توقیف در مبارزه با امپریالیستی و راههای کشور از راستگیکهای اقتصادی به انحصارات امپریالیستی.

همکاری اقتصادی و فنی اتحاد شوروی و دیگر کشورهای سرمایه‌داری و فنی اتحاد شوروی و دیگر کشورهای سرمایه‌داری که در راه استقلال سیاسی و اقتصادی خود پیشرفت خود می‌یابند، امکانات تسهیل سیاست استعمار و نو استعماری انحصارات امپریالیستی را بر کشورهای در حال رشد محدود می‌سازد.

آنسوی دیگر، توافق در مورد گسترش ظرفیت تولیدی کارخانه ذوب آهن، بر زمینه سیاست دردهای دول امپریالیستی نسبت به ایران پس از پیروزی انقلاب، اهمیت ویژه‌ای کسب میکند و مشخصاً بر چرخه سیاست مختلف و دوبرخورد متفاوت نسبت به انقلاب در این کشور هر چه بیشتر استفاده نماید.

توسعه و تقویت روزافزون بنیه اقتصادی و فنی اتحاد شوروی و دیگر کشورهای سرمایه‌داری، که بر امکان همکاری اقتصادی و کمک های فنی این کشورها به کشورهای نواستقلال و در حال رشد می‌افزاید عامل مؤثری است برای پیروزی کشورهای نواستقلال در جهت‌های کامل از وابستگی‌های اقتصادی به دول امپریالیستی. در نتیجه پدیدایش همین امکانات است که جنبش کشورهای غیرمتحده، در بازسازی مجموعه نظام روابط اقتصادی بین المللی اصرار می‌ورزد و خواستار دگرگونی بنیادی این نظام بر اساس برابری حقوق کامل، نفع متقابل و عداری از هر گونه شرایط سیاسی است.

منافع مردم میهن ما و پیشرفت و تعمیق روند انقلاب در مین ما ایجاد میکند که دولت جمهوری اسلامی ایران از آزادی و حسن نیت کشور بزرگ همسایه شمالی برای گسترش همکاریهای اقتصادی و فنی استقلال کند و بویژه خود را از این امکانات بفتح استحکام استقلال سیاسی و اقتصادی میهن ما و گسترش مناسبات دوستانه بین کشور دو کشور هر چه بیشتر استفاده نماید.

توسعه و تقویت روزافزون بنیه اقتصادی و فنی اتحاد شوروی و دیگر کشورهای سرمایه‌داری، که بر امکان همکاری اقتصادی و کمک های فنی این کشورها به کشورهای نواستقلال و در حال رشد می‌افزاید عامل مؤثری است برای پیروزی کشورهای نواستقلال در جهت‌های کامل از وابستگی‌های اقتصادی به دول امپریالیستی. در نتیجه پدیدایش همین امکانات است که جنبش کشورهای غیرمتحده، در بازسازی مجموعه نظام روابط اقتصادی بین المللی اصرار می‌ورزد و خواستار دگرگونی بنیادی این نظام بر اساس برابری حقوق کامل، نفع متقابل و عداری از هر گونه شرایط سیاسی است.

منافع مردم میهن ما و پیشرفت و تعمیق روند انقلاب در مین ما ایجاد میکند که دولت جمهوری اسلامی ایران از آزادی و حسن نیت کشور بزرگ همسایه شمالی برای گسترش همکاریهای اقتصادی و فنی استقلال کند و بویژه خود را از این امکانات بفتح استحکام استقلال سیاسی و اقتصادی میهن ما و گسترش مناسبات دوستانه بین کشور دو کشور هر چه بیشتر استفاده نماید.

توسعه و تقویت روزافزون بنیه اقتصادی و فنی اتحاد شوروی و دیگر کشورهای سرمایه‌داری، که بر امکان همکاری اقتصادی و کمک های فنی این کشورها به کشورهای نواستقلال و در حال رشد می‌افزاید عامل مؤثری است برای پیروزی کشورهای نواستقلال در جهت‌های کامل از وابستگی‌های اقتصادی به دول امپریالیستی. در نتیجه پدیدایش همین امکانات است که جنبش کشورهای غیرمتحده، در بازسازی مجموعه نظام روابط اقتصادی بین المللی اصرار می‌ورزد و خواستار دگرگونی بنیادی این نظام بر اساس برابری حقوق کامل، نفع متقابل و عداری از هر گونه شرایط سیاسی است.

منافع مردم میهن ما و پیشرفت و تعمیق روند انقلاب در مین ما ایجاد میکند که دولت جمهوری اسلامی ایران از آزادی و حسن نیت کشور بزرگ همسایه شمالی برای گسترش همکاریهای اقتصادی و فنی استقلال کند و بویژه خود را از این امکانات بفتح استحکام استقلال سیاسی و اقتصادی میهن ما و گسترش مناسبات دوستانه بین کشور دو کشور هر چه بیشتر استفاده نماید.

توسعه و تقویت روزافزون بنیه اقتصادی و فنی اتحاد شوروی و دیگر کشورهای سرمایه‌داری، که بر امکان همکاری اقتصادی و کمک های فنی این کشورها به کشورهای نواستقلال و در حال رشد می‌افزاید عامل مؤثری است برای پیروزی کشورهای نواستقلال در جهت‌های کامل از وابستگی‌های اقتصادی به دول امپریالیستی. در نتیجه پدیدایش همین امکانات است که جنبش کشورهای غیرمتحده، در بازسازی مجموعه نظام روابط اقتصادی بین المللی اصرار می‌ورزد و خواستار دگرگونی بنیادی این نظام بر اساس برابری حقوق کامل، نفع متقابل و عداری از هر گونه شرایط سیاسی است.

منافع مردم میهن ما و پیشرفت و تعمیق روند انقلاب در مین ما ایجاد میکند که دولت جمهوری اسلامی ایران از آزادی و حسن نیت کشور بزرگ همسایه شمالی برای گسترش همکاریهای اقتصادی و فنی استقلال کند و بویژه خود را از این امکانات بفتح استحکام استقلال سیاسی و اقتصادی میهن ما و گسترش مناسبات دوستانه بین کشور دو کشور هر چه بیشتر استفاده نماید.

توسعه و تقویت روزافزون بنیه اقتصادی و فنی اتحاد شوروی و دیگر کشورهای سرمایه‌داری، که بر امکان همکاری اقتصادی و کمک های فنی این کشورها به کشورهای نواستقلال و در حال رشد می‌افزاید عامل مؤثری است برای پیروزی کشورهای نواستقلال در جهت‌های کامل از وابستگی‌های اقتصادی به دول امپریالیستی. در نتیجه پدیدایش همین امکانات است که جنبش کشورهای غیرمتحده، در بازسازی مجموعه نظام روابط اقتصادی بین المللی اصرار می‌ورزد و خواستار دگرگونی بنیادی این نظام بر اساس برابری حقوق کامل، نفع متقابل و عداری از هر گونه شرایط سیاسی است.

منافع مردم میهن ما و پیشرفت و تعمیق روند انقلاب در مین ما ایجاد میکند که دولت جمهوری اسلامی ایران از آزادی و حسن نیت کشور بزرگ همسایه شمالی برای گسترش همکاریهای اقتصادی و فنی استقلال کند و بویژه خود را از این امکانات بفتح استحکام استقلال سیاسی و اقتصادی میهن ما و گسترش مناسبات دوستانه بین کشور دو کشور هر چه بیشتر استفاده نماید.

توسعه و تقویت روزافزون بنیه اقتصادی و فنی اتحاد شوروی و دیگر کشورهای سرمایه‌داری، که بر امکان همکاری اقتصادی و کمک های فنی این کشورها به کشورهای نواستقلال و در حال رشد می‌افزاید عامل مؤثری است برای پیروزی کشورهای نواستقلال در جهت‌های کامل از وابستگی‌های اقتصادی به دول امپریالیستی. در نتیجه پدیدایش همین امکانات است که جنبش کشورهای غیرمتحده، در بازسازی مجموعه نظام روابط اقتصادی بین المللی اصرار می‌ورزد و خواستار دگرگونی بنیادی این نظام بر اساس برابری حقوق کامل، نفع متقابل و عداری از هر گونه شرایط سیاسی است.

اخبار کارگری

سندیکای مستقل کارگران خیاط تهران و حومه

یکی از کارگران خیاط زن بنیادنگی از طرف کارگران کارخانه نوسن گفت، «من کارگری از کارخانه نوسن هستم، من ۲۲ نفر دیگر ساکن هستم که در این کارخانه کار می‌کنیم. ۱۵ سال است که سابقه کار دارم. در این کارگاه برای جدا کردن ماکرگران انهم، به این خاطر که انهم بی اطلاع باشیم و باهم اتحاد نداشته باشیم، ما را به اطفاهای انفرادی برده‌اند. من با اینکه ۱۵ سال سابقه کار دارم و همچنین دیگر کارگران که سابقه زیادی دارند، هنوز بنیوان کارآموز محسوب می‌شویم. کارفرما به این طریق برای بیمه و غیره پول کتتری می‌پردازد ماکه بیشتر مان زین هستیم. ۱۲ ساعت در روز کار می‌کنیم. خواستهای ما بقره زیرین است.

۱- ۴۰ ساعت کار در هفته،
۲- کارگر مزدی،
۳- اگر کارگران به محل خودشان روزهای تعطیل کار کنند، دوبرس از مزد بگیرند.

۴- کارفرما خودسرا نه حق اخراج کارگر را نداشته باشد.
۵- بیمه کارگران.

کارگران سندیکای تصمیم گرفتند برای گرفتن حق کارگران کارگاه نوسن به این طریق برای بیمه و غیره پول کتتری می‌پردازد ماکه بیشتر مان زین هستیم. ۱۲ ساعت در روز کار می‌کنیم. خواستهای ما بقره زیرین است.

۱- اقداماتی در جهت تهیه طرح کارخانه قند، سیمان و مس سرچشمه شروع کرده و در مورد مس سرچشمه تا حدود زیادی به موفقیت رسیده و همین روزها قرار است داد مس سرچشمه را این شرکت خواهد بست. تا در جهت انجام بقیه پروژه‌ها فعالیت کنند. در ضمن مدیرعامل مس سرچشمه از این شرکت بازدید کرده و این بازدیدی رضایت بخش بوده است.

۲- یکسری از افراد پرسنل متخصص این شرکت از طریق وزارت صنایع و معادن مأمور شده‌اند تا کارخانجاتی را که پاملی شده‌اند و یا مدیریت آن عیوض شده‌اند، سرسومان داده و چرخ این گونه کارخانجاتی، مثل ماشین‌سازی اراک

۳- تعداد این کارگران ۲۵ نفر است. کارفرمای فعلی، که بعد از پیروزی انقلاب از تهران برگشته، کارخانه را به استناد اداری رجوع داده بود، که گویا با اسناد ندارد، دولت صندوق وام بیکاری تشکیل داده است.

و اما کارگران مرد این کارخانه، اخراج زنان کارگر را قسماً جدی برای خواباندن این کارخانه می‌دانند. کارگران نه تنها پندهای منتخب خود دارند و نسبه سنگینی تشکیل داده‌اند و اکثر مسووم سوادند، چون کارفرما کارگران باسواد را از چند وقت قبل اخراج کرده و اصلا کارگر جوان استخدام نمی‌کند.

چون مواد اولیه نیست و معلوم هم نیست که چه وقت همواره بیاوریم، فعلاً کاری با شما نداریم و هر وقت که همواره آورده‌ایم، دوباره به سر کارتان برگریدید!

این کارگران بیکار در مقابل بیکاری اجباری خود، هیچ پولی هم دریافت نمی‌کنند و سازمان مسئولی هم نیست که از آنها حمایت کند، فعلاً دو هفته است که کارگران بیکار شده این دروان در منزلند و هیچ سازمانی هم جوا بیکوی درو آنها نیست. موقع اخراج آنها کارفرما آنها را به استناد اداری رجوع داده بود، که گویا با اسناد ندارد، دولت صندوق وام بیکاری تشکیل داده است.

و اما کارگران مرد این کارخانه، اخراج زنان کارگر را قسماً جدی برای خواباندن این کارخانه می‌دانند. کارگران نه تنها پندهای منتخب خود دارند و نسبه سنگینی تشکیل داده‌اند و اکثر مسووم سوادند، چون کارفرما کارگران باسواد را از چند وقت قبل اخراج کرده و اصلا کارگر جوان استخدام نمی‌کند.

چون مواد اولیه نیست و معلوم هم نیست که چه وقت همواره بیاوریم، فعلاً کاری با شما نداریم و هر وقت که همواره آورده‌ایم، دوباره به سر کارتان برگریدید!

این کارگران بیکار در مقابل بیکاری اجباری خود، هیچ پولی هم دریافت نمی‌کنند و سازمان مسئولی هم نیست که از آنها حمایت کند، فعلاً دو هفته است که کارگران بیکار شده این دروان در منزلند و هیچ سازمانی هم جوا بیکوی درو آنها نیست. موقع اخراج آنها کارفرما آنها را به استناد اداری رجوع داده بود، که گویا با اسناد ندارد، دولت صندوق وام بیکاری تشکیل داده است.

و اما کارگران مرد این کارخانه، اخراج زنان کارگر را قسماً جدی برای خواباندن این کارخانه می‌دانند. کارگران نه تنها پندهای منتخب خود دارند و نسبه سنگینی تشکیل داده‌اند و اکثر مسووم سوادند، چون کارفرما کارگران باسواد را از چند وقت قبل اخراج کرده و اصلا کارگر جوان استخدام نمی‌کند.

چون مواد اولیه نیست و معلوم هم نیست که چه وقت همواره بیاوریم، فعلاً کاری با شما نداریم و هر وقت که همواره آورده‌ایم، دوباره به سر کارتان برگریدید!

این کارگران بیکار در مقابل بیکاری اجباری خود، هیچ پولی هم دریافت نمی‌کنند و سازمان مسئولی هم نیست که از آنها حمایت کند، فعلاً دو هفته است که کارگران بیکار شده این دروان در منزلند و هیچ سازمانی هم جوا بیکوی درو آنها نیست. موقع اخراج آنها کارفرما آنها را به استناد اداری رجوع داده بود، که گویا با اسناد ندارد، دولت صندوق وام بیکاری تشکیل داده است.

چون مواد اولیه نیست و معلوم هم نیست که چه وقت همواره بیاوریم، فعلاً کاری با شما نداریم و هر وقت که همواره آورده‌ایم، دوباره به سر کارتان برگریدید!

در شرکت با تله-کالورن

در شرکت با تله-کالورن اطلاعیه‌ای برای شرکت با تله-کالورن صادر شده است. کماکان هیچکس از رانندگان برای این اساس به مقستی از مشکلات دادگان رسیدگی عیضت ندارند.

کارگران کارخانه صادراتی امید اجرای بخشنامه وزارت کار را می‌خواهند

طبق بخشنامه‌ای که از وزارت کار به تمام مراکز کار داده شده است، دود روزنامه نیز چاپ شد، حداقل حقوق کارگران تعیین شد است و کارفرمایان طبق این بخشنامه مکلفند که این قانون را زانوال سال ۵۸ بپور اجرا کنند. طبق این بخشنامه کارفرما باید این مبلغ را بحقوق کارگران اضافه کرده پرداخت نماید. در کارخانه صادراتی امید، واقع در خیابان رزم‌آدم، کارفرما از پرداخت این قسم از حقوق حقه کارگران امتناع می‌ورزد و باعث نادراحتی کارگران شده است. با اینکه نماینده وزارت کار، کارفرما را ملزم به پرداخت حقوق کارگران کرده، با این وجود کارفرما از پرداخت حقوق کارگران بنا به دلیل واهی «پول ندارم» خودداری کرده است. اما کارگران مصمم هستند که این حقوق خود را دریافت کنند

گوشت بجای قصابی، به سوپو مارکت عرضه میشود

طبق اخبار و تحقیق‌های متعددی که بعمل آمده، اخیراً مشاهده می‌شود که بسیاری از قصابان جنوب شهر سهمیه گوشت دریافتی را، که باید جهت مصرف‌های شخصی در اختیار قصابی بفرش برسانند، با کم کردن مقدار گوشت در منافذها و جمع آوردی مقدار زیادی از این گوشتها، مارتکت‌ها عرضه می‌کنند. متلاشی از واسطه‌ها، گوشتی را که باید به مشتری به مبلغ ۱۶۵ ریسال عرضه شود، به قیمت ۱۹۰ تا ۲۵۰ ریال به سوپو مارکت‌ها عرضه می‌کنند.

مردم دامن زده میشوند

گوشت در منافذها و جمع آوردی مقدار زیادی از این گوشتها، مارتکت‌ها عرضه می‌کنند. متلاشی از واسطه‌ها، گوشتی را که باید به مشتری به مبلغ ۱۶۵ ریسال عرضه شود، به قیمت ۱۹۰ تا ۲۵۰ ریال به سوپو مارکت‌ها عرضه می‌کنند.

مردم دامن زده میشوند

گوشت در منافذها و جمع آوردی مقدار زیادی از این گوشتها، مارتکت‌ها عرضه می‌کنند. متلاشی از واسطه‌ها، گوشتی را که باید به مشتری به مبلغ ۱۶۵ ریسال عرضه شود، به قیمت ۱۹۰ تا ۲۵۰ ریال به سوپو مارکت‌ها عرضه می‌کنند.

تذکره

در مسود اخبار خرسهر - مندرج در شماره ۵۲ مردم - برای رفع هر گونه سوء تفاهم، بیکار دیگر تأکید می‌شود که آقایان محمد علی کزورنی و مهدی چله، در حمله به کتاب فروشی اتحاد، هیچگونه دخالتی نداشته‌اند.

از انتشارات حزب توده ایران منتشر شد:

۱- ترجمه جدید اثر لنین در باره فدرالیسم انگلسی از محمد پور هرمان

۲- مانی‌را لوسم تاریخی (کتاب دوم) تألیف امیر نیک‌آئین

بزودی منتشر میشود:

مانی‌را لوسم یا لکتیک جوان‌ها پیدا شده، از صاحب آن خواهش می‌شود برای دریافت ساعت به دفتر مردم مچمه کند.

ساعت کم شده

یک عدد ساعت مچی زانه توسط یکی از رفقای جوان‌ها پیدا شده، از صاحب آن خواهش می‌شود برای دریافت ساعت به دفتر مردم مچمه کند.

تذکره

در مسود اخبار خرسهر - مندرج در شماره ۵۲ مردم - برای رفع هر گونه سوء تفاهم، بیکار دیگر تأکید می‌شود که آقایان محمد علی کزورنی و مهدی چله، در حمله به کتاب فروشی اتحاد، هیچگونه دخالتی نداشته‌اند.

از انتشارات حزب توده ایران منتشر شد:

۱- ترجمه جدید اثر لنین در باره فدرالیسم انگلسی از محمد پور هرمان

۲- مانی‌را لوسم تاریخی (کتاب دوم) تألیف امیر نیک‌آئین

بزودی منتشر میشود:

مانی‌را لوسم یا لکتیک جوان‌ها پیدا شده، از صاحب آن خواهش می‌شود برای دریافت ساعت به دفتر مردم مچمه کند.

ساعت کم شده

یک عدد ساعت مچی زانه توسط یکی از رفقای جوان‌ها پیدا شده، از صاحب آن خواهش می‌شود برای دریافت ساعت به دفتر مردم مچمه کند.

تذکره

در مسود اخبار خرسهر - مندرج در شماره ۵۲ مردم - برای رفع هر گونه سوء تفاهم، بیکار دیگر تأکید می‌شود که آقایان محمد علی کزورنی و مهدی چله، در حمله به کتاب فروشی اتحاد، هیچگونه دخالتی نداشته‌اند.

فرار داد دو جانبه نظامی ایران و آمریکا باید بی‌درنگ لغو شود

توقیف روزنامه آیندگان و آهنگر، بار دیگر مسئله آزادی مطبوعات را در ارتباط با دفاع از انقلاب و مبارزه با ضد انقلاب مطرح ساخته است. و چون هر بار مسئله ظاهراً به شکل تازه‌ای مطرح می‌شود در حالیکه اصل مسئله بهیچوجه تازه نیست - ماهم نظر خود را بار دیگر برای رفع ابهامات، سوء تفاهات و پرسشهایی که، گاه صادقانه وجود دارد و گاه مفرضانه بوجود آورده می‌شود، بیان میداریم.

رژیم پهلوی سرکون شده و امپریالیسم پشتیبان آن ضرت دیده، ولی عوامل و بازمانده‌های آن تا بودند، ماند. در مجموعه دستگاهی که از رژیم سابق بجای مانده، آنها مواضع مهم و حساس را همچنان در اختیار دارند، از جمله در مطبوعات.

ضد انقلاب - امپریالیسم و بازمانده‌گان رژیم پهلوی - از مواضعی که در اختیار دارد، برای تحریک، توطئه، آشوب، تقزین، نفرت، انکس، اخلال، خرابکاری، سردرگمی، گمراهی و در یک کلمه برای تضعیف انقلاب و رهبری انقلاب استفاده میکنند، از جمله بوسیله مطبوعات.

ضد انقلاب برای دفاع از مواضع خود، برای تحکیم آنها، برای تدارک تفرص عمومی خود علیه انقلاب از همه وسائل استفاده میکنند، از جمله از مطبوعات.

دفاع از انقلاب و مبارزه با ضد انقلاب از جمله مهمترین مجموعه دستگاهی است که از رژیم وابسته به امپریالیسم باقیمانده، از جمله مطبوعات، یعنی تقویت انقلاب و رهبری انقلاب است. از جمله بوسیله مطبوعات، یعنی خنثی کردن فعالیت مغرب و توطئه‌گرانه ضدانقلاب است، از جمله در مطبوعات.

لذا آزادی مطبوعات، مانند هر آزادی دیگر است که بدون تقویت، فقط در چارچوب دفاع از دستاوردهای انقلاب، تقویت انقلاب و پیشبرد انقلاب مجاز است. بسخن دیگر ضد انقلاب نمیتواند و نباید از آزادی دیگری - انکس از جمله آزادی مطبوعات - استفاده و در واقع سوء استفاده کند. این تقضی فرض است، این در واقع دشمنی با آزادی واقعی است.

اگر این واقعه درست است که با ضد انقلاب در مطبوعات هم باید مبارزه کرد، اگر درست است که توطئه ضد انقلاب را در مطبوعات هم باید خنثی کرد، آنوقت باید دستگانه که از رژیم وابسته به امپریالیسم باقی مانده، با کندی پیش می‌رود، اگر مبارزه با ضد انقلاب و خنثی کردن توطئه‌های ضد انقلاب در زمینه‌های مختلف باریک، سستی، اعمال و افاض و روبرو است، این پاسکازی، این مبارزه، این خنثی کردن، تاکنون در مطبوعات اصلاً انجام نگرفته است.

مگر این واقعیت قابل انکار است که گردانندگان اصلی برخی از مطبوعات از سرپرندگان ومداحان وابستگان شناخته شده رژیم پهلوی هستند؛ مگر این واقعیت قابل انکار است که حتی برخی از ساواک‌های شناخته شده بیکار خود در برخی مطبوعات ادامه میدهند، مگر این واقعیت قابل انکار است که چنین مطبوعاتی نیروهای راستین، نیروهای راستین انقلابی را هم بدنام و بی اعتبار میکنند و از این جانب هم بمسئله انقلاب و نیروهای راست افراطی برای حمله به نیروهای راستین چپ و نیروهای راستین انقلابی هانه می‌دهند؟

آنوقت، آیا میتوانیم رژیم نام دفاع از آزادی مطبوعات با پاسکازی مطبوعات از چنین عناصری، با خنثی کردن توطئه‌های ضد انقلاب در چنین مطبوعاتی مخالفت کرد؟ آیا میتوان زیر نام دفاع از آزادی مطبوعات اجازه داد که ضد انقلاب از چنین وسیله مهم و موثری آزادانه استفاده کند؟

نه، نمیتوان! مطبوعات هم از عناصر ضد انقلابی باید پاسکازی شود، با ضد انقلاب و ضد مطبوعات هم باید با قاطعیت و بی‌چیزی مبارزه کرد. فعالیت ضد انقلاب را در مطبوعات هم باید خنثی کرد. ضد انقلاب را در مطبوعات هم باید سرکوب کرد.

توقیف روزنامه آیندگان و آهنگر را، که فقط بر اساس ارتباطاتی که دارند، بلکه با توطئه‌هایشان به ضد انقلاب کمک کرده‌اند، باید فقط در این چارچوب ارزیابی کرد، بنظر ما، چنین است رابطه انقلاب، ضد انقلاب و آزادی مطبوعات، و اما در اینجا مسائل دیگری هم منکست مطرح شده که باید به آنها پاسخ گفت.

منکست گفته شده، توقیف روزنامه‌ها نباید خود - سرانه باشد، بلکه باید بر

مَرُوْم و مردم

م.م. هودخ نامهای برای «مردم» نوشته تا شنش باطلاح

همه مردم برسند، از این فراد

چند بار در «مردم» از امانت داری اعضاء حزب خواندم که بیان کنند؛ شرافت و امانت آنها بود. میخواستم مودی را هم، که خود شاهد آن بودم، ذکر کنم که مبین آنست که امانت داری عجون است یا تودای بودن.

در مراسم بزرگ داشت فرمان ملی‌مان خسرو روزبه، در بهشت‌زهرآ، عسکهای او را میفرودختم. دختر خانمی عکسی خرید و چون عسکها را بمنوان کمک به حزب میفرودختم وقومت مشغبی اعلام نمیکردیم، آن دختر خانم عکسی را به ۱۰ تومان خرید، که بلمت‌ول‌خردنداشتن قرار شده‌که برود دیوول خرد بیاورد، همدیگر را ندیدیم تا چهارشنبه ۱۰ مرداد، که مأمور انتظامات دردانشگاه تهران هنگام سخنرانی رفیق طبری دیدیگر کاندیداهای حزب برای مجلس خبرگان بودم. دختر خانمی جلو آمد و ۱۰ تومان بمن داد و گفت، پول پوستری است که در مراسم بزرگداشت روزبه خریدم. من از اینهمه امانت داری و اتسایت مات مانم و شاید هم نتوانستم تشکر بکنم. حالا میخواهم شرح این ماجرا هم تشکر باشد از این دختر خانم بوسیلهٔ «مردم» و هم تشاکیدی دیگر براینکه اتسایت و امانت‌داری عجون است یا تودهای بودن.

✽ ✽

«فناق افکنان همیا و عهدشود خداقفلابند». در توضیح این مطلب وی چنین می‌نویسد:

«روزنامهٔ کارگری مردم ۱ من نویز مانند هزاران تن افراد حزبی و هواداران و دوستان‌حزب‌نهی‌رمان توده برای شنیدن‌سخنرانی اعضاء‌کمیته مرکزی در چنین دانشگاه جای‌گرفتم. من آرزو داشتم بویژه سخنرانی رفیق احسان طبری این دانشمند و چشامه شناس برجسته را خوب بشنوم. از آغاز سخنرانی اخلاکران همیشگی، این جوچه فاشیستها و نوازگان پرورش یافته مکتب سیا و موساد و ساواک، بکار اخلاقل پرداختند و شماره‌های ضدحزبی می‌دادند، صداها و فریوهای توأم بسا سوت کوشش خسرانش بیرون می‌دادند. نوبت سخن رفیق طبری رسید. نوشته‌های پراخت‌وی‌که همواره روشنگر آگاه‌کننده و توأم با دقت علمی و تحقیق واقع‌گرا‌نه است، معروف است. صدای وی نیز رسا و سخنانش گهرا و دلشبین و بیدارکننده بود. هنگامیبا گوش دل‌گفته‌های اووظنرات حزب را دیدارقانون اساسی، این سنده مهم انقلاب بزرگ‌خلفهای ایران، که با رهبری قاطع و بی‌باکنه امام خمینی به پیورزی رسیده‌گوش می‌دادند. هنوز سخنرانی رفیق طبری به نیمه رسیده بودکه ناگهان پخته شدگان ضدانقلاب بسوی کرسی‌خطابه هجوم‌آوردنددر این تلاشها باهشایری و تیراندازی هوایی پاسداران تیر‌آنان بسنگ خورد. حال باید از این فناق افکنان پرسید،که این حرکت فاشیست‌گونه را برای چه براه می‌اندازید؟

آیاگمان می‌کنیدکه می‌توانید در راه حزب توده ایران و اتحاد و پیوستگی خلفهای ایران سنبک بیاندازید؟ اگرچنین خیالی‌دارید، به فرقی و تمایزی با ضد انقلاب دارید؛ از این‌برگ‌ننگنان‌نست که دسیسه‌های ضد انقلاب را بگونه‌ای دیگر بکار بندید؛ مگس نمی‌بینیدکه دشمنان ایران‌دست‌پروردگان‌چوپره‌خوان‌امپریالیسم آمریکا و دست پروردگان رژیم دژمخیم می‌داندزنا‌شا، چه‌چفتنها و آشوبهایی درگوشه و کنارکتور براه می‌دهنددر شا به‌خمال خود انقلاب ما را نازا سازند و تک‌دارند در مرحله سازندگی موفق گردد؟ خوب است بعبق برگردید و دلم به مسیر گذشته سوادت و دفاع انقلاب جهانی ایران پیورده‌گرمی به‌کار بکنید. آیا دهائی از ستم و غارتگری امپریالیسم و دست نشان‌گسان وی، برای شما ارزشی نداشت که بدین‌صفت نخواهد‌آید؟ از این‌کل‌نگنان‌نست آمده را بسازی با دست بدهنده‌ای؟ بخودآئید و اکل بنام‌ایرانی، ددست مردم ایران نیستید. در صف دشمنان وی‌نیز جای‌نکشید. رفیق عزیز ما هادای سابقه فعالیتهای خود را نوشته و از شرکت در مراسم ۳۰ تیر نوزس سخن‌گفته است. دوست‌عزیز! میدانید‌که «مردم» بمسرات بیش از آن‌نامه دریافت می‌کنده‌که بتواند در ستون مردم و «مردم» همه آنها را دست‌نمکس کرد. دوستان قدیمی‌تر و با تجربه‌تر قاعدتاً از خود نفاهم بیشتری در این مسئله بخرج می‌دهند و هر‌کس عدم‌انتشارنامه را بحساب دهنه بودن و دل‌آزار بودن، نمی‌گذاردند. در اینجا اصلاح‌طلب از فراموشی‌نست باکمال تاشف باید اعتراض‌کنند؛ سخن از جبهه خلقی است، بفرخ ایمانند و بقیه‌هم بپناچار سیار خلاصه‌ه مشغول امیدواریم دیدیگر شنید و بازم هم‌بمکملی با «مردم» ادامه دهید.

گوی «خندسطلوان» یعنی بختیار خانگتار شده. نویسنده‌نامه از سیاست حزب توده ایران نویز در مورد حمایت از رهبری انقلاب و دفاع از دستاوردهای ضدامپریالیستی انقلاب بزرگ ما دفاع می‌کند و بختیار و یاران آن هم‌فکران آشکار و نهان، که حزب ما را رنجیز به طلب و بازگرفت قدرت مسمک‌گیری و مخافت مدبم و غیوره‌وام‌گذاشتند تا بآن یورش برند. دروغگو و در برابر تاریخ محکوم می‌دانند.

مَرُوْم: ازگان مرکزی حزب توده ایران

حل مشکل مسکن و گرو و برنامه ریزی و سرمایه گذاری دولتی است

که چشم پدیرافت اجاره بهای سنگین‌روزانه، ازاجارماین‌واحدها به‌خانوادهای ایرانی، که قادر به پرداخت‌کرایه‌های گران نیستند، امتناع می‌کنند.

در شرایطی‌که صدها هزار خسانواده زحمتکش در خانه‌های کلتی و کلیه‌ها ورزغه‌های‌غیرقابل زیست، بسر‌میرند، شرط انصاف نیست که دولت در مورد صاحبان ده‌ها هزار خانه خالی قسط به توصیه اکتفا‌کند. مامل‌فدار آئیم که از سر‌م‌پاداران و مساکلان بزرگ صاحب‌آبار‌تاهای‌خالی آنها توسط بنیاد مسکن به‌بهای عادلانه‌بخرداری، به‌خانوواده‌های مستضعف واگذار خواهد شد و چنانچه مالکان این واحدها با اجساره و با فروش واحدهای مسکونی خالی استتکالی ورنند، این‌واحدها مصادر و ضبط‌خواهند شد.

روز بهد، آقای کتیرانی، وزیر مسکن و شهرسازی، در مصاحبه رادیویی خود در بارهٔ مضمون این مصاحبه اظهار بی‌اطلاعی نمود و تأکید کرد که دولت در این مورد تصمیمی نکرده، قانونی تدوین نشده و مساق قسط می‌توانیم به‌مالکین قبیل‌واحدهای مسکونی توصیه‌کنیم که خانه‌ها و آپارتمانهای خالی را بساجاره واگذار کنندو بدین‌سان‌اظهارات حجه‌الاسلام خسروشاهی تکذیب شد.

روشن است که در سلاهای حکومت رژیم‌پهلوی، به‌علت‌تاهای سیاست غلط اقتصادی، تمام سرمایه‌ها متوجه زمین‌ساختمان شده بود. کسانی از راه خرید و فروش زمین، صاحب ده‌ها خانه وآبار‌تاهای و ویلا شدند، که با اجاره‌آنها در قبایل ولوهای‌کلال، صاحب ثروت‌های هنگت‌ شدند. مشن‌رسان اینگونه‌خانه‌ها و آپارتمانها به‌ورش‌کارشناسان و ارتباع کشورهای امپریالیست بودند، که اکنون با خروج‌آینت ده‌ها هزار واحد‌مسکونی از این قبیل خالی مانده و مالکین آنها،

در این روزها یاز اشعار متعددی دریافت کرده‌ایم. ج. هشتاق از شیراز، ضمن ابراز امیدگی به سهم خود برای نیل‌یاهداری حزب طبقه‌کارگر کشور، شمری فرستاده‌براه فرامی‌دست‌سیف و فصل آزادی و اینکه دودون مسوزدوخون سرخ رفیقان‌که‌می‌پوشده دوست عزیز بی‌امون مش‌رمان توضیح خواسته‌اید، بدین‌صفت‌بیطاللی می‌فرستند: نوشه‌ای باردیگر‌مراجعه‌کنید. م.ح.ف. اولین شمری‌را که در زندگی خدمت‌گذاشته، برای ما فرستاده‌ه که البته ما مانند اکثر کدهائی که برای بار اول انجام می‌گردد، خالی از نصیب‌نست‌ولی ولی سر‌راز از احساسی اندیشه‌ساز، در آن جنبه‌چندین‌مخوامتیم، سخن از اتحاد زرف‌سایه‌کنندگان سخن از جبهه خلقی است، بفرخ دانش‌آموز، شمری زیر عنوان «در رژیم سروده است، بنوشته‌خودش برای «مردم» و «مردم» نویسان. با تشکر، پورفون شده از تهران سلاهم دارد به رفیق‌ن‌سوده‌ای. او به‌پاور زحمتکشانه، به‌هرجوی راه‌های سخت، به‌مظهر فرواد ستمکشان درود می‌فرستد. ج.ی.شمر پندگی فرستاده زیر عنوان: «پرتوهای مردم»، که آنرا رفیق احسان طبری تقدیم کرده و در آن از نوشته‌ها و اشعار خود رونق طبری اهام جسته است، و می‌گوید: «ده‌گشت‌گامی‌بودی» با اندیشه‌روشن، با سخن شویابت، بسا نوشته دلگتشت و ادامه می‌دهد، و منم باز عموجان! شیفتهٔ راه تو/ در تنهایی، سازندگی‌فر/ را بیم را به‌تو می‌دهم، با تشکر از همه دوستان.

دورهٔ هفتم، سال اول، شماره ۵۲، دوشنبه ۲۲ مردادماه ۱۳۵۸

رویدادهای جهان

تهدمت و دروغ علیه افغانستان

سویالیستهای پاکستان‌اعلام کردند که تبلیغات و هماهوی روزنامه‌های‌ارتجاعی پاکستان و کشورهای غربی در باره افغانستان سراپا تهدمت‌ودروغ و تیرنگ است. ارکان سویالیستهای پاکستان در مقاله‌ای نوشت‌که محافل برج‌پاکستان گستاخانه ادعا می‌کنند که حکومت خلقی افغانستان با اسلام مخالف است هنگامیکه دولت کابل در دفاع از آرمان ملت عرب با رژیم سادات قطع رابطه کرد، این محافل در این مورد سکوت کردند.

از گان سویالیستهای پاکستان اضافه کرد‌که مردم‌پیی‌پردانند که اسلام‌استون آن چیزی‌نست که ارتجاع پاکستان ادعا می‌کند، بلکه درحقیقت حکومت انقلابی تری‌ه، با صدور فرامون مربوط به نابودی فئودالیسم و استثمار زحمتکشان، با روح اسلام موافق است.

روزنامه پرادوان نیز در ارتباط‌با‌حوادث اخیر کابل اعلام کرده‌که مزدوران شد انقلابی تلاش کردند که عده‌ای آنس‌پازان را علیه قدرت خلق وادار به‌فغان کنند، اما درهم شکسته شدند.

ارتجاع و کاهش تشنج

یک عضو برجسته کمیته مرکزی حزب کمونیست فرانسه و نماینده پارلمانان اروپا، در مقاله‌ای دربر‌اودا، ضمن تأکید بر‌اهمیت معاهده‌سال۲۳، نوشت که درفرانسه محافل ارتجاعی تلاش‌می‌کنند که اوسیت معاهده را ناچون جلوه دهند و بیشتر روزنامه‌ها نیز، در رابطه به‌محافل حاکمانه‌اند، در مسورد اهمیت معاهده «سال۲۳» سکوت می‌کنند.

این مقام برجسته حزب‌کمونیست فرانسه اضافه کرد‌که محافل حاکمه فرانسه درمورد به اصطلاح «تهدید شوروی» و دفاع از حقوق پرده‌گوش‌های سویالیستی، مهاو بر‌اه نداشته‌اند و از حق دستاویزی برای سد‌کردن‌پشت‌ر سوی تشنج زدائی واقعی استفاده نمی‌کنند.

انضمائهای کارگری در انگلیس

به‌گزارش‌خبرگز اریها، کارگران بخش‌بزرگی از واحدهای صنعتی انگلیسی دست به‌انضماب زدند. در این انضمام، بنابه یک گزارش، حدود دومیلون کارگر شرکت کردند. کهه ازفشار هزینه زندگی بچان آمده‌اند، خواستار افزایش حسدائل‌قسط‌نمزد و ۲۹ ساعت‌کار در هفته هستند. کارگران به‌دولت محافظه‌کار مبارکارت تاجرا اخطار کردند که اگر به این‌فناضات تیرتپ اشر‌داده نشود، تمام دوشه‌های صنعتی آینده دست‌ان‌کار خواهند کشید.

اعتراف صریح مشاور کراتر

برژنفسکی، مشاور کراتر در امور امنیت ملی، گفت‌که آمریکا از دوسال پیش تشکیل نیروی واکنش سریع را آغاز کرده است تا بتواند از منافع خود درمناطق بحرانی جهان دفاع کند. برژنفسکی در گفتگویی باهنه‌تنامه آلمانی «اشپیکل» اضافه کرد باید مرفوع‌که لازم باشد، آماده بکار گرفتن این‌نیرو شد. مشاور کراتر گفت‌که آمریکا باید نقش برتر خود را دردیمان نظامی ناتو حفظ کند.

افزایش همکاری امپریالیستهای امریکائی با فاشیستهای شیلی

به‌گزارش‌تاس، همکاری اسبابان صنایع ومحافل مالی‌امریکا با دارو دسته نظامی شیلی درحال افزایش است. دران‌آقای‌امریکا، که‌بزرگترین بانک جهان سرمایه‌داری است، اعلام کرده‌که در اس سندیکائی از بانکها، یک و دو میلیون دلاری دیگر در اختیار شیلی قرار خواهد داد. مطابق امریکائی گزارش دادند‌که بعداز کودتای فاشیستی در شیلی، بانکهای امریکا حدود یک میلیارد دلار به رژیم این‌کشور وام دادند. هدف از اعطای این‌وامها، ادامه غارتگری وچپاول هرچه بیشتر ثروت‌های مردم است.

نمونه‌ای از همه‌پسنگی «سویالیست‌پسشی

براساس‌روچ برادرانه‌ه‌که مقابل بی‌اعتنا است، روزنامهٔ «رود برادو» ارکان حزب‌کمونیست چکسلواکی، می‌نویسد که این‌کشور نفت خام خود را به‌بهای حدود صدصددرصد به‌بهای بین‌المللی از شورای امنیت می‌کند. بنوشته این روزنامه، چکسلواکی درسال جاری، ۱۸/۳ میلیون ترو در سال آینده ۱۸/۸ میلیون تن‌نفت‌از شوروی دریافت خواهد کرد.

این روزنامه نوشت‌دردلایکه دیلی سرمایه‌داری دربرهان انرژی ناشی ازضرعق بی‌بروی مواز انرژی، غول‌ه می‌نمورد، جامعه سویالیستی، که براساس همکاری این‌تسانو‌انگلیسی استوار است، چشم‌انداز مطمئن برای توسعه دربر‌این خود دارد.

همکاری نزدیک چاسوسان مصر و امریکایی

دربی خدمتی‌رژیم سادات واسرائیل‌طبق سازمان آزادی‌بخش فلسطین وقتیل‌زجره‌مسن، همکاری چاسوسان مصر‌راسرائیل‌افزایش یافته است. به‌گزارش‌روزنامه کویتی «الوظیف»، چاسوسان مصر واسرائیل، درسابق فرامندگی فالوتزس‌ها درلبنان، تشکیل جلسه دادند. هدف از اینس دیدار اتخاذ‌سیاست‌های مشترک از طرف سازمان‌های‌چاسوسی دوکشوربوده است. چاسوسان مصری‌ول‌داده‌اند که‌محل اقامت‌رهبران برجسته فلسطینی را دراختیار‌وعامل‌اسرائیل قراردهند.

دورهٔ هفتم، سال اول، شماره ۵۲، دوشنبه ۲۲ مردادماه ۱۳۵۸

بقیه از صفحه ۱

حزب تودهٔ ایران ...

شئون زندگی اجتماعی زبان مادری خود تکلم کنند و آداب و رسوم و معتقدات دینی‌واجتماعی خود را آزادانه و بدون هیچ‌گونه فدی‌ه که از تحمیلات خلقی به‌خلق دیگر سرچشمه بگیرد، بکار برند.

حزب توده ایران براین عقیده بوده است‌که ازبین رفتن محرومیت‌های ملی‌خلفهای غیرفارسی در ایران تنها در چارچوب مبارزه مشترک همه خلقهای ایران علیه تسلط جنایت‌بار و غارتگر امپریالیسم، علیه استبداد سلطنتی، علیه فاسدت طبقات چپاولگر-حاکمه‌بوینزه بزرگ‌سرمایه‌داران و زمین‌داران وابسته به امپریالیسم امکان‌پذیراست. بنظر حزب ما، دراین مبارزه عمومی، مبارزه علیه تسلط امپریالیسم‌واستبداد،ودرم‌سرحله‌کنونی، مبارزه علیه‌امپریالیسم، بسر‌کردگی امپریالیسم‌امریکا، می‌نویسیم و خداقفلاب متکی به بقایای رژیم سرکون شده شاه مخلوع، در درجه اول اهمیت قرار گرفته است.

با اتکاء به این اصول و موضع‌گیری‌های سیاسی، حزب تودهٔ ایران، همیشه برآن بوده است‌که بین‌هدف‌های حزب طبقه‌کارگر و جنبش‌های‌اصیل‌طبقه‌های‌محروم‌کنشورما برای ازبین‌بردن محرومیت‌های ملی‌همیشه کوشیده‌است که بسا جنبشهای اصیل خلقهای محروم ایران، برپایه سیاست و برنامه مشترکی، نزدیکترین همکاری را بوجود آورد. حزب تودهٔ ایران جنبش‌های اصیل خلقهای محروم میهنستان را برای برانداختن محرومیت‌های ملی‌چیزه تفکیک‌ناپذیر-سجبهٔ متحد خلقی برای ریشه‌کن‌ساختن تسلط امپریالیسم، نوستامتر، بقایای رژیم استبدادی، نا‌هم‌آزادبها و حقوق‌دمکراتیک و آزادی‌طلبی شرایط زندگی‌زحمتکشان می‌داند و به این اصل بطور زوربول تأکید و قواداداست.

مشترکی، جبههٔ ائتلافی حزب تودهٔ ایران، فرقهٔ دمکرات‌آذربایجانی و حزب دمکرات‌کرمانشاه وجود آمدند. و تاریخ نشان داد‌که تشکیل این جبهه نقش مهمی درگسترش دامنهٔ مبارزات دمکراتیک و ملی‌دردسراسر ایران ایفا کرد.

با اتکاء به همین اصول بوده‌که حزب تودهٔ ایران، پس از شکست سال ۱۳۲۵، که منجر به انهم پاشندگی نیروهای ملی و دمکراتیک در آذربایجان و کردستان گردید، بازم زنده‌کردن سازمان‌های فرقهٔ دمکرات آذربایجان و حزب دمکرات‌کردستان را به‌مدف‌گرفت، و حتی پس ازآن‌که برائت توسطهٔ «هم‌ماه ۱۳۲۷» این‌گفت‌فا‌لیت علنی محصور هم از حزب مبارک‌گفته شد، حزب تودهٔ ایران همهٔ نیروی خود را دراین راه بکار برد. این‌کوشش‌حتی در دوران‌که سازمان‌های حزب ما درایران متلاشی‌شدومرکز فعالیت حزب در مهاجرت انتقال یافت، ادامه یافت.

برپایه همین‌اصول وجود‌سرم‌علمی به‌تشکل انقلابی‌نیروهای پیشگام طبقهٔ‌کارگراست‌که حزب تودهٔ ایران همیشه هوادار وحدت سیاسی‌وسازمانی کلیهٔ نیروهای بوده‌هست‌که، سرنظر این‌واستیکی به خلقهای گوناگون درسراسر ایران، هوادارراه طبقهٔ‌کارگر، آماده برای شرکت درحزب طرازنویین طبقهٔ‌کارگرند.

دردمکرت‌پروردان، نظر‌حزب تودهٔ ایران این بوده‌که وحدت و بهم‌آمیختگی حزب تودهٔ ایران با فرقهٔ دمکرات آذربایجان و حزب دمکرات‌کردستان در یک‌حزب واحد سراسری طبقهٔ‌کارگر ایران، درست‌ترین و بهترین راه حل برای تمرکز فعالیت همهٔ نیروهای انقلابی درحوزه‌های واحد و مشترک‌است.

درنتیجه کوشش طولانی، بسا‌الخره امر وحدت حزب تودهٔ ایران و فرقهٔ دمکرات آذربایجان درکنفرانس وحدت، در ۱۳۲۹، بطور موفقیت‌آمیزی سرانجام یافت. این امر درحمان زمان مسورد تأیید بسیاری ازمبارزان‌کرد‌ق‌ارگرفت‌که با درمضوف حزب تودهٔ ایران و فرقهٔ دمکرات آذربایجان فعالیت می‌کنند و یا در خارج آن، درجبههٔ متحد انقلابی ضد رژیم شاه و امپریالیسم قراردهند، محتوی اساسی آن موافقت واین تأیید، این بوده‌که درسراسر ایران، حزب‌گراوبرطبقه‌کارگر، با‌نام‌حزب تودهٔ ایران بنشد و در آذربایجان و کردستان سازمان‌های اب‌اللی‌حزب تودهٔ ایران، با نام‌فرقهٔ دمکرات آذربایجان-وزحمتکش‌کردستان فعالیت‌کنند.

متأسفانه برخی‌ازدوستان‌کرد، ازهمان آغاز تجدید‌ف‌لیت، نعت تأییر انحراف مصطفی بارزانی و عوامل خارجی دیگر سب-گیری نادرستی را درصفت داخلی و عمومی خود ائتلاز کردند و موافقت درجهت تشکیل حزب واحد سراسری طبقه کارگر ایران، آشپورکه دربراه گفته شد، پشت‌پا زدند و جدا شده فعالیت در مهاجرت وچ به‌سراپا سرنگونی رژیم استبدادی عهدی رضا پهلوی و آغاز فعالیت علنی، راهی را برگزیدند، که دست‌گیری‌های‌عمده، بارامی‌که حزب توده ایران درآن دوره و درنلسطه کنونی دست می‌داند و می‌داند، اختلافات جدید داشته‌دادند.

تمام‌کوشش‌ما برای یکی کردن سمت‌گیری‌های عمده درعمل سیاسی و کام گذاردن درراه وحدت سازمانی دو حزب، با‌کمال‌تاشف ما، به‌نتیجه‌ای نرسید.

اکنون حزب توده ایران درمقابل بی‌اعتنا و قنوت قرار گرفته است‌که ازبکسورکردستان ایران بصورت یکی ازحس‌ترین‌مناطق کشور درآمد، که در آن عوامل گوناگونی وارد میدان نبردسیاسی شده‌اند و وضعی بوجود آمده است که هرروز بفرگشت می‌شود. و سوی دیگر این‌شروط‌هم روزی بیش احساس می‌شود که نظریات حزب توده ایران بطور منظم درمیان خلق کرد ارتجاع پاید و نیرو های انقلابی، که برنامه‌سست‌گیری و موضع‌گیری سیاسی حزب را تأیید می‌کنند، برای ترویج بیشتر آنها میان مردم مجب و مشکل شوند. درارتباط بااین واقفیت‌دواین شروط، کمیته مرکزی حزب

مَرُوْم: ازگان مرکزی حزب توده ایران

تجربهٔ ۲۸ مرداد

«بودروازی سازشکار است و انتظاری از آن ندارد، هم ما امپریالیسم وهم عناصر سازشکار از زیر چن حمایت‌گرفتند و تمام آتش‌کنه و نفرت خود را متوجه حزب توده ایران کردند. این‌اکنون‌شده ضنفعهای جنبش را، که ۲۸ مرداد منجر شد، بیوفاتند و جنبه‌های مثبت جنبش‌را، که درصوت تقویت به‌پیروزی منباجامید، بگویند. مقصود از این نوع باسطلاخ «بررسی، ادامه هدف‌های کودتای ۲۸ مرداد و خدمت به‌این‌هدف‌هاست.

خواهند گفت که کسانی ازروی کمال حسن‌نیت و تنها از روی ناآگاهی تاریخ نهضت و انقلاب‌ایران را از دریچه خدمت‌ده‌ای می‌نگرند. سخنی نیست. تالانگری ضد کمونیستی امپریالیسم و ارتجاع ایران، که ۲۶ سال مداوم باتمام وسایل، از «چپ» و راست دنبال شده بی‌اثر نمانده و نمیتوانست بی‌اثر بماند. بسیاری کسانیکه حتی به‌روزنامه‌های عادی دوران جنبش ملی شدن نفت دسترس نداشتند و فقط از روی شمشیدا و وشایعه‌ها قضاوت می‌کنند. ما ایشان را هرگز درصفت دشمن نمی‌گذاریم. ولی متعقدیم‌که، هم‌ک سانی‌که جنبجوی حقیقت است. آن‌ک خلق ما است، قلیت نباید شایسه را با آغوش باز پذیرا شود.

درسال‌های دشوارمبارزهٔ ضد رژیم، برخی ازمبارزین انقلابی نیز کوشش‌های برای شناخت تجربهٔ جنبش بکاربرده و نوشته‌هایی‌نوله کرده‌اند. از آنجمله است ارتجه‌ای بوژن‌ج‌نی‌بنام «تاریخ سه‌ساله ایران» و شهید حسن‌ضیاء ظریفی بنام «حزب تودهٔ ایران و کودتای ۲۸ مرداد». این‌نوع‌نوشته‌ها قبل از هرچیز از محدودیت امکانات نویسندگان‌تش‌حکایت می‌کنند. آنان متأسفانه به مدارک و اسناد عادی روزمره دسترس نداشتند. حسن ضیاء ظریفی، با آن‌کسه راننده‌های سالمی دست‌یافته و نتگن جالری‌را بیان کرده، ولی‌اینان امکان‌فرست‌بیشتری‌میداشت‌ومی‌توانست‌از محدودیته‌پیور‌م‌حزب تودهٔ ایران فراتررود و جهان فراختری را بشکرد.

تنها برخورد جدی به جنبش ملی‌شدن نفت ایران و کودتای ۲۸ مرداد، چنان‌که‌گفتیم، ازجنب حزب تودهٔ ایران انجام‌گرفته و هیچ‌کس به‌آنچه‌که، بیست سال پیش، حزب توده‌ای ما، در چهارمین پلنوم کمیته مرکزی خودگفت و در اسناد و نوشته‌های حزبی منتشرشد، چیزی نیفروده است.

اینجا و آنجا کسانی کوشیده‌اند طفیلی‌وار از تملیل حزب ما تنذیه‌کنند و سپس آن‌را با کلمات مد روز، از نوع «اپورت‌نیم تاریخی» وغیره، بهمیزند و به اصطلاح چیز تازه‌ای عرضه‌کنند. اما اینگونه‌کارها بررسی نیست و ارزش بیث‌نداد.

کودتای ۲۸ مرداد، حاحده‌ای‌که دردیگروز تدارک شده و به انجام رسیده باشد، نیست. این کودتا جمع بی مبارزهٔ ۱۲ ساله (۱۳۲۰-۱۳۳۲) اجتماعی- سیاسی درفکته ایران و بمعنای محدودیت جمع بی جنبش ملی شدن نفت است. برای اینکه به عمق‌این حاحده دست یابیم واذان آنرا نبرد امروزین بینه‌گیریم، باید این مبارزهٔ بسیار پرنسج و پرفراز و نشیب را بدقت بپیمای کنیم و تغییر تناسب نیروها را درطول مبارزه بررسی کنیم و به نیمه، چطور که در ۲۸ مرداد نبردی ارتجاع و امپریالیسم بسر نیروی انقلاب چریبید؛ چرا حکومت مصدق بجائی نرسیده که نتوانست از خودش دفاع کند؛ چرا، آنظوریکه عده‌ای ادعا می‌کنند، شیفتهٔ عمر حکومت مصدق بدست حزب تودهٔ ایران افتاد؛ وآپا واقعاً چنین بوده؛ اگر باسج مثبت باشد، چه نیایی بر آن مغرب خواهد بود و امروز چه بندی باید از آن آموخت؟

دین‌کوش‌گانه‌ی که به خوانندگان تقدیم می‌کنیم، مجال آن نیست‌که این مسائل بطورعمده جابه بررسی شود. ما فقط می‌گوئیم که حاحدهٔ ۲۸ مرداد در دل‌کل آن مطرح‌کنیم وچ‌کوش‌چ‌چا شدن واحدهای مبارز و تطهیر تناسب نیروها و بر‌خورد اندیشه‌ها و سیاست‌ها را لاقلاً عنوان کنیم، تا شاید نهمه‌های برای تفکر بدست دهد و آنان‌را که جویای حقیقتند، راهی بدانجا باشد.

تظاهرات علیه گرانفروشی

حاشیه خیابان تجمع کرده سخنان تظاهر کنندگان تأیید می‌گردد. آنها معتقد بودند در شرایطی که انقلاب دوران شورای را می‌گذرانند و ضدانقلاب باسرتق مختلف گرانفروشان سرود و شدیدت، چه‌م کوشود به‌آن لطمه بزند و مانع پیشرفت آن شود، گرانفروشی و پلاکاردهایی باخود حمل می‌کرد که مضمون برخی از آنان چنین بود:

ساعت ۵/۵ بعدازظهر ۱۳ مرداد، جمعیتی درحدود ۳۰ نفر، در خیابان ۲۱متری انقلاب، به راه‌پیمایی پرداختند. آنها در میانهٔ میزابت سرود و شدیدت گرانفروشان سرودند، چه‌م کوشود به‌آن لطمه بزند و مانع پیشرفت آن شود، گرانفروشی و پلاکاردهایی باخود حمل می‌کرد که مضمون برخی از آنان چنین بود:

دولت باید هرچه زودتر عناصر گرانفروش ضدانقلاب را مردم‌خوارسازد که مستقیماً دولت در دادگاه‌های شرعی محاکمه کند،

«ما جوانان ۲۱متری انقلاب حاضریم در صورت برچیده شدن بساط کوشیدن‌دست‌گرانفروشان، عهددار کسبه و فروش ارزاق عمومی با ارزاق‌ترزیب قیمت شویم.

«ما جوانان ۲۱متری انقلاب حاضریم در صورت برچیده شدن بساط کوشیدن‌دست‌گرانفروشان، عهددار کسبه و فروش ارزاق عمومی با ارزاق‌ترزیب قیمت شویم.

مردم- در واقع چاره بنیادی لازم است؛ زیرا تا زمانی که هسته تورم و افسار نیفتد، سرمایه‌داری است، از ریشه حل‌نشود، مبارزه با گرانفروشی، دردی را دوا نمی‌کند.

باید کرد ۱۵ مردک بر گرانفروشی ۱۰ عده‌گیری از مردم ایزدر

۲۰ مردادماه ۱۳۵۸

آزادی!

ای خجسته واژه زمان
ای سرود سرکش بهار
ترکش جوانه‌های روزا
بی‌تولظه‌ای،
بی‌تولظه‌ای نمیتوان
در بهار باغ آفتاب
عاشقانه خواندا

بی‌تو، دل نمی‌تپد
به شوق،
بی‌تو، دانه‌های سرخ عشق
در ضمیر ما
قد نمی‌کشند،
بر نمی‌دهند،
بی‌تو، چهره‌ها
همه کبود میشوند
بی‌تو، چاه‌ها
همه سیاه،
بی‌تو، لحظه‌ها
همه حزین...

در بهار تو
- ای بلند زبانه‌های شاد زندگی
نبض تند عشق
ازرگان نازک و ظریف لجنه‌ها،
از تن تمام قطر‌ها وزرها
میرسد بگوش!

زیر بال تو
- ای بلند بوق بهار -
گر همیشه ضمیر خاک،
صبح میشود،
بهار میشود،
دست‌های بسته گرم‌کار میشود.
روزگار خفته باز
می‌کند
خروش!

ای خجسته واژه زمان
در بهار سرزمین من
جاودانه باشو
جلوه کن

بروزین آذر مهر
فروردین ۵۸

توصیه به رفقای حزبی، هواداران و دوستان در مورد اخباری که برای «مردم» می‌فرستند

بسیاری از رفقای حزبی و هواداران و دوستان حزب، در زمینه‌های گوناگون برای «مردم» خبر می‌فرستند، که موجب تشکر فراوان است.

«مردم» بر اساس اطمینان و اعتمادی که به رفقا و هواداران و دوستان دارد، از این خبرها استفاده میکند و برای اطمینان به صحت اخبار، هر چه از آنجا می‌آید، در اختیار کارکنان مسئولیت خطیر خود را در این زمینه بخوبی درک می‌کنند، امکان دیگری ندارد.

ولی متأسفانه تا کنون در چندین مورد معلوم شده که اخبار دریا فنی دقیق نبوده است. از آنجا که «مردم» روزنامه‌ای مسئول و در میان مردم صاحب نفوذ و اعتبار است، و از آنجا که در شرایط بسیار حساس کنونی اخبار نادقیق ممکن است موجب سوء تفاهم شود و نتایج ناگواری به بار آورد و نیز به نفوذ و اعتبار حزب لطمه بزند، از همه رفقای حزبی و هواداران و دوستان خواهشمندیم که در کسب و تهیه خبر نهایت دقت را مبذول دارند. با سپاس. «مردم»

ریگای کوردستان (راه کوردستان)

بزودی منتشر میشود

توجه

با احترام روز شهادت علی، امام اول شیعیان، «مردم» به جای چهارشنبه، روز پنجشنبه منتشر میشود.

فعالیت ضد کمونیستی امپریالیسم در ایران تشدید شده است

در جهاد سازندگی ثبت نام کنند و برای آنها پرونده تشکیل داده‌اند. تا کنون به چند نفر، به اتهام داشتن عقاید کمونیستی، اجازه شرکت در جهاد سازندگی را ندادند.

روزنهم مرداد، هنگامیکه دو نفر از هواداران حزب ما، در دروازه کازرون مشغول فروختن روزنامه «مردم» بودند، پورمردی که برای تحریک مردم داد میزد، «ما کشته‌آدم ایم، اجازه فروش روزنامه کمونیستی نمی‌دهیم»، به آنها هجوم آورد و روزنامه‌ها را پاره کرد. مردمی که در آنجا جمع شده بودند، به او اعتراض کردند که نباید روزنامه‌ها را پاره کرد، چون اینکار را بحساب اسلام می‌گذارند. چند دقیقه بعد هاموری از کمیته رسید. او ابتدا بنا پاره کردن روزنامه متخلف کرد، اما بعد، زیر این عنوان که اینها خلق هستند که روزنامه‌های شما را پاره میکنند، بدفاع از پیرمرد پرداخت.

نظیر حمله این پورمرد، با همان شعار، در چند نقطه دیگر کازرون هم گزارش شده است. از شما و مرودشت هم گزارش رسیده است که چند بار به دهکده‌های روزنامه فروشی، که «مردم» می‌فروخته‌اند، حمله شده است.

گزارش زیر راه‌یکی از هواداران حزب ما از اصفهان فرستاده است.

کتابفروشی عطایی، واقع در خیابان طالقانی، بوسیله بمب مدتی پیش منفجر شد و در نتیجه یکی از اقوام صاحب کتابفروشی شدت زخمی گردید و بعد از انتقال به بیمارستان، بعلت شدت جراحات وارده، فوت کرد. در جریان انفجار این کتابفروشی، یک منازعه قضایی و یک منازعه پارچه فروشی نیز بکلی از بین رفت.

من چندین بار بمحل حادثه رفتم، ولی ماجرای که توجه را جلب و ماهیت واقعی جنایتکاران را برایم روشن کرد، روز شنبه ۳۰ تیرماه، ساعت ۴ بعد از ظهر، اتفاق افتاد. وقتی به محل رسیدم، مردم برای تماشای محل حادثه جمع شده بودند. گروهیان سوم ارتشی خود را به جمع رسانده بود و سم پاشی میکرد. توجه جلب شد، دیدم شروع کرده به بدو بیراه گفتن به کمونیستها. داخل این کتابفروشی همه نوع کتابی دیده میشد و منحصر به گروه و یا جمعیت خاصی نبود. از جمله چندین جلد کتاب قرآن و نهج البلاغه هم در داخل کتابفروشی وجود داشت. فردارتنی، که اتمکتی که نامش را مشخص کرده باشد، به سینه نداشت، با حرارت مردم را تحریک میکرد که، اگر سابق ما حرفی می‌زدیم، می‌گفتند که چهره‌خواران ما باقی هستیم، ولی حالا که اینطور نیست و من حجت‌دارم که اینکار را کمونیستها کرده‌اند. شما ببینید چه کسی، بغیر از اینها حاضر میشود کتاب قرآن را آتش بزند؟ عده‌ای هم که دچار احساسات شده بودند، شروع کردند به لمن و نفرین کمونیستها. فردارتنی که وظیفه خود را بخوبی انجام داده بود، با تبسمی که بر لب داشت، محل را ترک کرد.

فعالیت ضد کمونیستی از وظایف عمده امپریالیسم و ارتجاع است. هر روز که میکنند، ساواکی‌ها و عمال امپریالیسم در ایران، از جمله با منحنی شدن زیر نام اسلام و بسا استفاده از افراد قشری این فعالیت خائسانه امپریالیستی را تشدید میکنند. لیه تیز ضد انقلاب، که با استفاده از هر وسیله‌ای قصد بدنام کردن کمونیست‌ها را دارد، بیش از همه متوجه سرسخت‌ترین دشمن امپریالیسم و در رأس آن امپریالیسم آمریکایی، یعنی حزب توده ایران است.

چند گزارش زیرین، نمونه‌هایی از این فعالیت ضد خلقی را روشن میکنند. یکی از هواداران حزب ما در نامه‌ای چنین نوشته است:

«خانه مادریکی از جنوبی‌ترین نقاط تهران است و مادرم نیز همانند هزاران مادر قدیمی دیگر، از نعمت داشتن سواد خواندن و نوشتن محروم است، ولی بخاطر عشق به طبقه شوهر و فرزندش، یعنی طبقه کارگر و در نتیجه به پیشاهنگ مبارز و ستاد عملیاتی‌اش، یعنی حزب طراژ نوین طبقه کارگر، حزب توده ایران، روزنامه مردم، از گان حزب، را بسیار دوست میدارد، آنرا می‌خرد و بخانه می‌آورد و میدهد به بر بچه‌های باسواد خانه تا برایش بخوانند.

چند روز پیش وقتی مادرم برای خرید «مردم» رفته بود، مرد میان‌سال به او نزدیک میشود و میگوید، مادرا شما میدانید که این روزنامه کمونیستی است؟! مادرم جواب میدهد، خوب باشد، مگر چه عیبی دارد؟! او میگوید، مادرا مگر متوجه نیستید این کمونیستها ضد انقلابند؟! اخلاک‌گرو خرابکارند!!

مادرم به او میگوید، نخیر! شما اشتباه میکنید! کمونیست‌های واقعی هیچک از اینها که شما گفتید، نیستند! کمونیستها بسیار انسان‌های شریفی هستند و تا بحال هم علیه انقلاب ما دست به هیچ یک از کارهایی که شما می‌گویید، نزده‌اند! ما آنها را دوست داریم! این آدم‌های ضد انقلاب و خرابکاری که شما می‌گویید، همگی از ارتجاع و بازماندگان رژیم شاه مخلوع هستند ...

طرف که می‌بیند سمه پسر زور است، دیگر چیزی نمیکوید، راهش را می‌کشند و می‌روند.»

از همدان خبر رسیده است که گروهی از افراد مشکوک، با استفاده از نفوذشان در کمیته‌ها، زیر پوشش شرکت در جهاد سازندگی، به روستاهای اطراف همدان رفته‌اند. وظیفه اصلی این افراد تبلیغ علیه کمونیست‌هاست. آنها به روستائیان می‌گویند، مواظب باشید کمونیستها نیاید مثل جاهای دیگر خرمن‌های شما را آتش بزنند.

از طرف دیگر، بدنیاال نفوذ همین افراد و استفاده از برخی مسئولان قشری کمیته‌ها، دفتر زیادی بعمل می‌آید تا دانشجویان و دانش‌آموزان کمونیست نتوانند برای شرکت

ایجاد ابهام در شناخت دوستان و دشمنان انقلاب ایران، بسود ضد انقلاب است

وازدروغ مایه میکشد، در آخرین نتیجه به شکست منتهی می‌انجامد. این حقیقتی است که همجا اثبات شده، از جمله در کشور خودما.

۵ سال رژیم پهلوی، با بوق و کرنا و با تمام وسائل ممکن، مطبوعات، رادیو، تلوویزیون، تظاهرات، سخنرانی‌ها و حتی روحانی نماها، کوشید دروغ را بجای راست بخورد مردم دهد، بخمال اینکه مردم جاهلند و بسا تکرار دروغ می‌توان آنها را فریفت. نتیجه چه شد؟ آیا مردم ایران، همه باهم، در عمل نشان ندادند که دشمن خود را در چهره امپریالیسم، بسرمهداری امپریالیسم آمریکا، علی‌رغم تمام تبلیغات نوع آریامهری، شناخته‌اند؟

تبلیغات آنگاه که توده‌های مردم نفوذ میکنند که راست باشد، توده‌ها باشم خود همیشه و در همه جا سرانجام راست را از دروغ تشخیص میدهند، راست را می‌پسندند و به دروغ باور نمی‌کنند و در نتیجه دروغ پردازان در بین توده‌ها فقط عرض خود می‌پسندند.

چلوه دادن، محروم کردن جبهه انقلاب از نیروهای ضد امپریالیستی است و این عمل (قطع نظر از نیت مبلغ) تقویت غیر مستقیم ضد انقلاب است.

مقصود از «شرق» - چنانکه میدانیم - کشورهای سوسیالیستی و بویژه اتحاد شوروی است، یعنی کشوری که بزرگترین قدرت ضد امپریالیستی جهان، بزرگترین حامی انقلابهای آزادیبخش و پشتیبان استقلال کشورها، که از حسن اتفاق، هم مرز کشور ماست و در عمل، در پیروجه انقلاب ایران، آنگاه که آمریکا می‌خواست با گسیل نیروی نظامی انقلاب ما را در خون خفه کند، با اخطار جدی و قاطع خود امپریالیسم آمریکا را مجبور کرد دست به ارتکاب این جنایت بزرگ نزند.

نکته‌ای هم که در این مقال باید گفته شود، بویژه برای آنهاست که به عمد در مرز بندی مورد گفتگو ابهام ایجاد میکنند، اینست که، تبلیغاتی که بر اساس دروغ بنا شده

داخلی و خارجی را با نیروهای انقلابی داخلی و خارجی، بی هیچگونه ابهام، در نظر بگیرد، تا در جهت بسیج نیروهای انقلابی در مبارزه علیه نیروهای ضد انقلابی عمل کند.

ولی متأسفانه، در تبلیغاتی که در کشور انجام می‌گیرد، این مرز بندی همیشه مشخص نیست. حتی مواردی نه چندان نادر دیده میشود که از زبان برخی مقامات مسئول نیز ابهامی در این مرز بندی ایجاد میشود، از جمله از طریق بکار بردن اصطلاح «شرق و غرب»، «امپریالیسم شرق و غرب»، «جهان‌خواهان شرق و غرب» و نظایر آنها، که دوستان واقعی انقلاب ایران و بطور کلی انقلابها و جنبش‌های جهانی بخش ضد امپریالیستی را در کنار دشمنان قرار مردم ایران و دیگر ملل مستعبدیده قرار میدهند.

این شیوه تبلیغاتی - بدیهی است - دانسته یا ندانسته - بسود ضد انقلاب است، زیرا دوست رادشمن

انقلاب ایران دشمنان سر سخت مشخصی دارد. در داخل کشور بازماندگان رژیم و از گون شده و در غرض جهانی امپریالیسم، بسر کردگی امپریالیسم آمریکا و صهیونیسم، که یکی از دست‌های اختاپوس امپریالیسم خونخوار است. این واقعیتی است که همه کس میداند و بنا بر این هیچکس قادر نیست، این دشمنان شناخته شده را دوست مردم و انقلاب ایران معرفی کند.

از طرف دیگر، در جبهه انقلاب، در داخل کشور، همه طبقات و اقشار جمع‌کش و همه نیروهای ضد امپریالیستی و ضد استبدادی قرار گرفته‌اند که خواستار تأمین استقلال ایران در همه زمینه‌های زندگی و برخورداری از آزادیها و حقوق دمکراتیک هستند، و در عرصه جهانی، همه نیروهای ضد امپریالیستی، که با اصطلاح رایج «شرق» نام‌گذاری شده‌اند.

بنابراین تبلیغاتی که در کشور انجام می‌گیرد - اگر قرار است بسود انقلاب انجام گیرد - باید این مرز بندی بین نیروهای ضد انقلابی

برقرار باد اتحاد همه نیروهای ضد امپریالیستی و دموکراتیک ایران در جبهه متحد خلق